

تاریخ معاصر ایران در حافظه‌ی جمعی ایرانیان

مطالعه‌ای بین قومی

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۰، شماره دو: ۸۲-۴۵

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در *ISC*

حمید عباداللهی چندانق^۱

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه گیلان

فاطمه یزدان عاشوری

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

پذیرش ۹۲/۹/۱۵

دریافت ۹۲/۴/۳

چکیده

مقاله‌ی حاضر حافظه‌ی جمعی ایرانیان را با توجه به چهار کادر اجتماعی حافظه (قومیت، نسل، مذهب و تحصیلات) مورد بررسی کمی قرار می‌دهد. در مبحث «کادر اجتماعی حافظه‌ی جمعی» از نظریات هالبواکس، هابزباوم و رنجر و در بحث «نسل» و «تحصیلات» به ترتیب از رویکردهای مانهایم، شومن و اسکات استفاده شد. با توجه به ماهیت بین قومی این پژوهش، تعداد ۳۸۴ نمونه از سه مرکز استان رشت (گیلان)، تبریز (آذربایجان شرقی) و سنندج (کردستان) به شیوه‌ای سهمیه‌ای-اتفاقی انتخاب شد. نتایج نشان می‌دهد قومیت به‌عنوان یک کادر اجتماعی تاثیر چندانی در شکل‌دهی به حافظه‌ی جمعی ایرانیان نداشته و حافظه‌ی جمعی در بین ایرانیان بیش از آن‌که قومی باشد ملی است. در مقابل، کادرهای اجتماعی مذهب، تحصیلات و به‌ویژه نسل از توان تبیینی بالایی برای توضیح تفاوت‌ها در حافظه‌ی جمعی ایرانیان برخوردارند. **مفاهیم کلیدی:** حافظه‌ی جمعی، کادر اجتماعی حافظه، قومیت، نسل، تحصیلات.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: h_ebadollahi@guilan.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله:

با توجه روزافزون به تاریخ شفاهی^۱، تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی در اواخر قرن بیستم مرزهای بین «تاریخ‌نگاری» و «فرهنگ‌شناسی» روزبه‌روز کمرنگ‌تر شده است به طوری که تاریخ‌نگاری اجتماعی^۲ و به‌ویژه مطالعه «تاریخ از پایین»^۳ غالباً شکل و محتوایی مترادف با «جامعه‌نگاری» و «مردم‌نگاری» یافته است (کتل و کلیمو ۲۰۰۲: ۱۱). همین امر توجه مورخان (بودنار ۱۹۹۲)، روان‌شناسان اجتماعی (میدلتون و بروان ۲۰۰۵؛ پنیکر، پز و رایم ۱۹۹۷)، جامعه‌شناسان (زرباول ۲۰۰۳) و تحلیل‌گران ادبی (یونگ ۱۹۹۳) به مفهوم حافظه‌ی جمعی را در پی داشته است. با آن‌که مفهوم حافظه‌ی جمعی در دهه‌ی ۱۹۲۰ از سوی جامعه‌شناس فرانسوی موریس هالبواکس^۴ معرفی شد لیکن سال‌های متمادی مورد بی‌توجهی قرار گرفت تا آن‌که در دهه‌ی اخیرا با اهمیت یافتن تاریخ تفسیری و التقاط آن با روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی تاریخی، حافظه‌ی جمعی دوباره موضوع گرایش‌های مجدد در علوم انسانی و اجتماعی شد. با وجود تعاریف بی‌شمار از مفهوم حافظه‌ی جمعی، اکثر محققان بر این نکته اتفاق نظر دارند که حافظه‌ی جمعی شکلی فراتر از نوع فردی آن و در یک گروه مشترک است (بنگرید ولش و رودیگر ۲۰۰۸: ۳۱۸).

اهمیت مفهوم حافظه‌ی جمعی در مطالعات اخیر، ریشه در رویکرد تفسیری به تاریخ دارد. در چنین مطالعاتی، واقعه به‌عنوان امری عینی کنار گذاشته می‌شود و «خاطره‌ی واقعه» موضوعیت می‌یابد که خود با توجه به نظریه‌های موجود (هالبواکس ۱۹۴۱ و ۱۹۹۲؛ جانسون مک‌لنن، شوارتز و ساتون ۱۹۸۲؛ پنیکر، پز و رایم ۱۹۹۷، میدلتون و بروان ۲۰۰۵؛ میستال ۲۰۰۳)، به‌شدت تحت تاثیر کادرهای اجتماعی حافظه است؛ به طوری که عضویت در گروه اجتماعی (برای مثال نسل، مذهب، قومیت، ملیت) تعیین‌کننده‌ی خاطره او از وقایع است. به‌عبارتی گذشته همواره در درون گروه‌های اجتماعی و با توجه به نیازهای زمان حال آن‌ها بر ساخته می‌شود، به طوری که می‌توان ادعا کرد معنای گذشته هیچ‌گاه در گذشته باقی نمانده و همواره در زمان حال به‌شکل پویا و با توجه به نیازهای گروه‌های اجتماعی تغییر می‌یابد. بدین

^۱ oral history

^۲ social historiography

^۳ 'from below'

^۴ موریس هالبواکس (۱۸۸۷-۱۹۴۵) کمی قبل از پایان جنگ جهانی دوم در بازداشتگاه بوخن‌والد آلمان درگذشت.

ترتیب، تاریخ نه امری متعلق به گذشته، بلکه بیشتر مربوط به حال و آینده است؛ چرا که می‌تواند به ما در خصوص ذهنیت گروه‌های اجتماعی و مسیر آتی تحولات و کنش‌های کنشگران اجتماعی اطلاعات ارزشمندی بدهد.

مطالعه‌ی حافظه‌ی جمعی، سابقه‌ی بسیار اندکی در ایران دارد (نورایی ۱۳۸۳؛ احمدی ۱۳۸۷؛ امیری ۱۳۸۸؛ داودی ۱۳۹۱) چرا که مطالعه‌ی تاریخ و جامعه‌شناسی تاریخی در ایران از گذشته به شدت تحت سیطره‌ی معرفت‌شناسی تجربه‌باور و تاریخ‌نگاری تجربه‌گرا بوده است (بنگرید به ولی ۱۳۸۰). این درحالی است که نیاز به مطالعه‌ی تاریخی با رویکردی تفسیری و توجه به جنبه‌ی ذهنی-تفسیری تاریخ در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی به شدت مشهود است. مطالعه‌ی حافظه‌ی جمعی در جوامعی مانند ایران که ورود آن‌ها به مرحله‌ی دولت-ملت نه امری برآمده از درون جامعه بلکه به واسطه‌ی نوسازی از بالا صورت گرفته است، می‌تواند تصویر روشنی از میزان انسجام اجتماعی و نزدیکی افراد گروه‌های اجتماعی مختلف (به‌ویژه گروه‌های قومی) به یک‌دیگر ارائه نماید. جامعه‌ی ایران به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار، تحولات و تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری را در یک قرن اخیر تجربه کرده است و مطالعه‌ی حافظه‌ی جمعی ایرانیان می‌تواند اولویت و اهمیت این وقایع در بین ایرانیان را برایمان تصویر کند.

در این پژوهش تلاش شده است ذهنیت ایرانیان در سه گروه قومی آذری، گیلک و کرد در خصوص اولویت و اهمیت وقایع و رخداد‌های ملی در صد سال اخیر مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر کادر اجتماعی «قومیت» (هالبواکس ۱۹۲۶ و ۱۹۹۲؛ هابزباوم و رنجر ۱۹۸۳؛ لپسیتز ۱۹۹۰)، از کادرهای اجتماعی «نسل» (مانهایم ۱۳۸۹)، تحصیلات (شواریتز و اسکات ۱۹۸۹) و «مذهب» (هالبواکس ۱۹۲۶ و ۱۹۹۲؛ لجر ۲۰۰۰) نیز برای بررسی میزان برساخته شدن حافظه‌ی جمعی ایرانیان در درون کادرهای اجتماعی استفاده شده است. بدین ترتیب، با توجه به نظریه‌های راهبر، سئوالات اصلی این مطالعه عبارتند از: ایرانیان بیشتر وقایع ملی را به یاد می‌آورند یا وقایع قومی را؟ کدام یک از وقایع ملی و بین‌المللی در نسل‌های مختلف از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردارند؟ آیا به‌یادآوری وقایع صد سال اخیر در نزد ایرانیان شیعه و سنی متفاوت است؟ آیا اولویت و اهمیت وقایع صد سال اخیر در نزد ایرانیان با توجه به میزان تحصیلات تغییر می‌کند؟

مقاله‌ی حاضر نتیجه‌ی یافته‌های پژوهشی است که در سه شهر تبریز، رشت و سنندج به‌شیوه‌ی پیمایشی در بهار و تابستان سال ۱۳۹۱ انجام گرفت. جامعه‌ی آماری این مطالعه، کلیه‌ی ساکنین سه شهر مذکور است که از بین آن‌ها به‌شیوه‌ی اتفاقی تعداد ۳۸۴ نمونه به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

نخستین مطالعات درخصوص مفهوم حافظه‌ی جمعی به پژوهش‌های جامعه‌شناس فرانسوی موريس هالبواکس (۱۹۴۱ و ۱۹۹۲) بازمی‌گردد. هالبواکس به‌تبعیت از امیل دورکیم در کتاب *صور بنیادین حیات دینی* (۱۳۸۶)، حافظه را به موضوع پژوهش سیستماتیک بدل کرد. وی به‌ویژه در کتاب *توپوگرافی افسانه‌گون اناجیل در سرزمین مقدس* (۱۹۴۱) سعی کرد انجیل را به‌عنوان حافظه‌ی جمعی یهودیان و مسیحیان و در چهارچوب‌های اجتماعی حافظه‌ی جمعی آن‌ها مورد تحلیل قرار دهد. وی در تحلیل دو بخش «عهد عتیق» و «عهد جدید» مدعی شد آن‌ها در دو چهارچوب (کادر) اجتماعی متفاوت روایت می‌شوند. درحالی که عهد عتیق براساس خاطره‌ی یهودی‌ها و با محوریت «آوارگی و بی‌سرزمینی یهودیان و سرنوشت غم بار قوم یهود» روایت می‌شود، عهد جدید در چهارچوب حافظه‌ی جمعی مسیحیان و با محوریت «رستگاری از گناه نخستین و به صلیب کشیده شدن مسیح» بیان می‌شود.

باوجود معرفی این مفهوم در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ از سوی هالبواکس، آن طی سالیان متعددی مورد بی‌توجهی پژوهشگران جامعه‌شناس قرار گرفت تا آن‌که مجدداً از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ اقبال عمومی یافته و از سوی جامعه‌شناسان امریکایی به موضوع مطالعات تجربی بدل شد. در این بین هووارد شومن و جک لاین اسکات محققین پیشگام بودند. آن‌ها در پژوهشی تحت عنوان «نسل‌ها و حافظه‌های جمعی» (شومن و اسکات ۱۹۸۹)، حافظه‌ی جمعی امریکایی‌ها در مورد تغییرات و وقایع جهانی و ملی پنجاه سال گذشته را با روش پیمایشی و در سطحی ملی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد یادآوری در چهارچوب گروه هم‌سالان^۱ صورت می‌گیرد و منشا این یادآوری تجارب دوره‌ی نوجوانی و اوایل جوانی

^۱ cohort

است که در قالب تلاقی «تاریخ شخصی»^۱ با «تاریخ ملی»^۲ صورت می‌گیرد. افراد با تجربه‌ی وقایع و تغییرات سرنوشت‌ساز در سال‌های شکل‌گیری هویتشان (تقریباً اوایل نوجوانی تا اوایل بزرگسالی) آن وقایع را بعدها در زندگی‌شان به‌عنوان وقایع مهم تلقی می‌کنند چرا که این وقایع با تبلور هویت شخصی و آگاهی از واقعیات اجتماعی بیرونی مرتبطند. همچنین اتفاقات و تغییراتی که در دوره‌ی نوجوانی و جوانی یک نسل رخ می‌دهند، و آن نسل در سال‌های بعد هم‌چنان آثار آن‌ها را حس می‌کند، در نحوه‌ی به‌یادآوردن آن وقایع به‌عنوان مهم‌ترین وقایع گذشته بیشترین نقش را دارند. یافته‌های تجربی مطالعه‌ی شومن و اسکات، پیش‌فرض‌های نظری مانهایم (۱۳۸۹) و هالباکس (۱۹۹۲) در خصوص برساخته شدن حافظه‌ی جمعی درون کادر اجتماعی نسل را تایید کرد.

جک لاین اسکات و لیلین زاک در سال ۱۹۹۳ در مطالعه‌ای تحت عنوان «حافظه‌های جمعی در بریتانیا و ایالات متحده‌ی آمریکا» (اسکات و زاک ۱۹۹۳) حافظه‌ی جمعی آمریکایی‌ها و بریتانیایی‌ها را مطالعه کردند. یافته‌های این مطالعه نشان داد در هر دو کشور احتمال یادآوری جنگ جهانی دوم به‌عنوان مهم‌ترین واقعه، در نزد مردان بیشتر از زنان و در نزد افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر از افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی است. هم‌چنین بریتانیایی‌ها و آمریکایی‌ها در یادآوری وقایع دوران معاصر شباهت قابل ملاحظه‌ای به یکدیگر داشتند به‌طوری که در هر دو کشور یادآوری جنگ جهانی دوم به‌عنوان مهم‌ترین واقعه‌ی دوران معاصر بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد.

روزینویگ و تلن (۱۹۹۸) در پژوهشی جالب توجه تفاوت‌های نژادی در حافظه‌ی جمعی آمریکاییان را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها از پاسخ‌گویان پرسیدند: چه واقعه یا دوره‌ای از گذشته، بیشترین اثر را بر شما گذاشته است؟ یافته‌های آن‌ها نشان داد ۲۲٪ از آمریکایی‌ها حقوق مدنی، ۱۱٪ بردگی و ۵٪ ترور مارتین لوتر کینگ را ذکر کردند. سؤال جالب توجه دیگر عبارت بود از این‌که: یک شخصیت سیاسی یا شخصیتی دیگر از گذشته را نام ببرید که تاثیر خاصی بر شما گذاشته است. نیمی از آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار مارتین لوتر کینگ و اکثر آمریکایی‌های سفیدپوست والدینشان را به‌عنوان اثرگذارترین شخصیت نام بردند. از دیگر

¹ personal history

² national history

یافته‌های این پژوهش میزان بالای بی‌اعتمادی سیاهان در مقایسه با سفیدپوستان نسبت به اظهارات معلمان و کتاب‌های تاریخ است. سیاهان بیشتر به روایت‌های خانوادگی اهمیت می‌دهند. در کل، نتایج این مطالعه نشان‌دهنده‌ی شکاف نژادی در حافظه‌ی جمعی آمریکاییان است به طوری که می‌توان ادعا کرد یک پارچگی چندانی در حافظه‌ی ملی آمریکاییان وجود ندارد.

شومن در سال ۲۰۰۴ در همکاری با ویلارد راجرز، پژوهشی دیگر با عنوان «هم‌سالان، تاریخ‌نگاری و حافظه‌های جمعی» (شومن و راجرز، ۲۰۰۴) را سامان داد. آن‌ها با استفاده از داده‌های تحقیق سال‌های ۱۹۸۹، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ (که پس از ۱۱ سپتامبر جمع‌آوری شده بود)، مهم‌ترین وقایع به یادآورده شده از سوی آمریکایی‌ها در هر سه تحقیق را مورد فراتحلیل قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد به یادآورندگان یک رویداد عمدتاً افرادی هستند که آن رویداد را در طول سنین بحرانی‌شان^۱ (نوجوانی و اوایل جوانی) تجربه کرده‌اند؛ ولی افرادی نیز وجود دارند که در زمان وقوع حادثه زندگی نمی‌کردند ولی آن واقعه را به عنوان مهم‌ترین واقعه به یاد می‌آورند. یافته‌ی اخیر دلالت بر آن دارد که رخدادهای جدید در زمان حال، باعث زنده شدن یاد رخدادهای گذشته و مانع فراموشی آن‌ها است؛ برای مثال وقوع حملات ۱۱ سپتامبر زنده شدن خاطره‌ی پل هاربر در جنگ جهانی دوم در حافظه‌ی جمعی آمریکایی‌ها را در پی دارد. در نتیجه این تحقیق علاوه بر بررسی «یادآوری جمعی»، «فراموشی جمعی» را نیز مورد مطالعه قرار داده است. به‌باور شومن و راجرز علاوه بر رابطه‌ی تفسیری مابین وقایع حال و گذشته و یاری حال به گذشته برای به یاد آمدن، پس از یاد آمدن گذشته، وقایع به یاد آمده رابطه‌ی رقابتی با وقایع حال می‌یابند؛ لذا در پی برخی رخدادها در زمان حال ممکن است برخی وقایع گذشته اهمیتی بیشتر در حافظه‌ی جمعی بیابند. از یافته‌های بارزش این دو محقق، دسته‌بندی آن‌ها از وقایع در دو نوع «رویدادهایی با چشم‌انداز تاریخی وسیع» (مانند رکود اقتصادی آمریکا، جنگ جهانی دوم و پایان کمونیزم) و «رویدادهای مهیج و ساده» (مانند ترور جان اف کندی) است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد عامل «تحصیلات» بر یادآوری واقعه‌هایی از نوع اول و در مقابل «تجربه‌ی واقعه در سنین بحرانی» بر یادآوری واقعه‌هایی از نوع دوم بیشترین اثر را دارند.

^۱ critical period

لاری گریفین و پگی هرگیس (۲۰۰۸) در پژوهشی باعنوان «گذشته‌ی سیاه‌پوستان و سفیدپوستان» مطالعه‌ی جالب توجه روزینزیویگ و تلن (۱۹۹۸) در خصوص شکاف نژادی در حافظه‌ی جمعی آمریکاییان را پی گرفت. آن‌ها با استفاده از داده‌های پژوهش‌های ملی انجام‌یافته در سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۳ - ۲۰۰۱/۲۰۰۰ - ۲۰۰۲/۲۰۰۰، تفاوت در حافظه‌ی جمعی سیاهان و سفیدپوستان در ایالت‌های جنوبی و غیر جنوبی آمریکا را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد حافظه‌ی جمعی آمریکایی‌های ساکن در ایالات جنوبی و غیر جنوبی تفاوت ناچیزی با یکدیگر دارند. متغیر جنسیت و تحصیلات نیز تاثیر چندانی بر حافظه‌ی جمعی آمریکاییان ندارد و این درحالی است که در مقابل تفاوت‌های نژادی و سنی اثرگذارترین عوامل در یادآوری آمریکاییان از گذشته به‌شمار می‌روند.

با آن‌که پژوهش در حوزه‌ی حافظه‌ی جمعی در سطح جهانی از اقبال قابل توجهی در دو دهه‌ی اخیر برخوردار بوده است هنوز این حوزه توجه پژوهشگران داخلی را به خود جلب نکرده است؛ به‌طوری که در این خصوص مطالعات معدودی صورت گرفته است که آن‌ها هم عمدتاً این مفهوم را نه از زاویه‌ی تاریخ تفسیری و تاریخ از پایین بلکه بیشتر از زاویه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این بین باید به نخستین و یکی از عمیق‌ترین مطالعات داخلی در این حوزه اشاره کرد. اسدالله احمدی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود تحت‌عنوان «تاریخ و خاطره‌ی جمعی، پژوهشی در تاریخ و خاطره‌ی جمعی در افغانستان» با استفاده از رویکرد نظری موريس هالبواکس و هرمنیوتیک روایی ریکور به بررسی حافظه‌ی جمعی در جامعه‌ی افغانستان پرداخته است. نتایج مطالعه‌ی احمدی نشان می‌دهند خاطره‌ی جمعی و تاریخی افغانستان، گسسته است و زبان، قومیت و مذهب به‌مثابه چهارچوب‌های اجتماعی یادآوری و فراموشی در شکل‌گیری روایت‌های تاریخی نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. به‌طور مشخص سه نوع تاریخ‌نگاری وجود دارد: نخست، تاریخ‌نگاری پشتون‌ها که کاملاً بر اساس چهارچوب تفکر قومی و قبیله‌ای روایت می‌شود؛ دوم تاریخ‌نگاری تاجیک‌ها که به‌خاطر عدم تعیین موقعیت سیال زبانی، مذهبی و قومی آن‌ها نوعی روایت آشفته است و خطوط داستانی چندان روشن و مشخصی ندارد. سوم تاریخ‌نگاری هزاره که درواقع «پیکربندی فاجعه‌ها» است و تقریباً تمامی رخداد‌های گذشته با محوریت نسل‌کشی دوران عبدالرحمن (۱۸۹۲-۱۸۹۳) روایت می‌شوند؛ بازخوانی امر گذشته در این روایت را می‌توان نوعی مقاومت

در برابر فراموشی اجباری و نوعی «خاطره‌ی قربانیان» دانست که به‌صورتِ رادیکال «سیاستِ خاطره‌ی ملی» را نقد می‌کند. درکل نتایج مطالعه‌ی احمدی حاکی از آن است که خاطره‌ی جمعی در افغانستان خاطره‌ی قومی است و رخدادهای گذشته در چهارچوب‌های اجتماعی خاطره، قومیت، زبان و مذهب به‌یادآورده و یا فراموش می‌شوند.

مهرداد نورایی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «هویت و حافظه‌ی جمعی» به کنکاش نظری درخصوص ربط و تاثیر حافظه‌ی جمعی در شکل‌گیری هویت می‌پردازد. وی نخست پدیده‌ی هویت، حافظه‌ی فردی و جمعی، حافظه‌ی جمعی و تاریخ و نهایتاً هویت و فضای زیستی را مورد بررسی قرار می‌دهد. به‌باور وی حافظه‌ی جمعی به‌مثابه گنجینه‌ی ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه، به مجموعه‌ای می‌ماند که در ضمیر ناخودآگاه و خودآگاه افراد جای دارد و مولد احساس تعلق مشترک برای اعضای اجتماع است و ازهمین‌رو شناخت هویت جمعی و ملی، بدون شناخت ریشه‌های تاریخی آن ناممکن می‌نماید؛ بدین معنی که باید رابطه‌ی میان احساس تعلق مشترک و تداوم تاریخی هویت مشخص شود؛ زیرا هویت بر علت‌ها و ریشه‌های تاریخی مبتنی است؛ ریشه‌هایی که شکل امروزی و معاصر به خود گرفته‌اند. به‌بیان دیگر، ویژگی‌هایی که ریشه‌ی تاریخی دارند و جوهر فرهنگی را شکل می‌دهند، سبب‌ساز پایداری جامعه‌ی انسانی هستند (نورایی ۱۳۸۳: ۴۲).

نادر امیری (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «چشم‌اندازی به رمان تاریخ‌گرای فارسی» با تکیه بر مقوله‌ی حافظه‌ی جمعی و با الهام از ایده‌ی باختین به مطالعه‌ی ظرفیت رمان تاریخ‌گرای فارسی در ارائه‌ی چشم‌اندازی چندگانه، چندصدایی و گفت‌وگویی از تاریخ ایران معاصر می‌پردازد. وی برای انجام این مهم نخست مقوله‌ی حافظه‌ی جمعی، سپس رویکرد روایت‌گرا و در وهله‌ی بعد رمان تاریخ‌گرا را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس سیر رمان تاریخ‌گرای فارسی را به‌ویژه در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ظرفیت آن در ارائه‌ی چشم‌اندازی چندگانه از تاریخ معاصر ایران را بررسی می‌کند. وی با همانند پنداشتن ادبیات با تاریخ ذهنی (حافظه‌ی جمعی)، و تاکید بر ایده‌ی حقیقت پرسپکتیوی به‌عنوان مبنای مفهوم تاریخ ذهنی و روایی، ادبیات (تاریخ) چندصدایی و گفت‌وگویی را در تاریخ ادبیات معاصر ایران ردیابی می‌کند. نتایج مطالعه‌ی امیری نشان می‌دهد رمان تاریخ‌گرای دهه‌ی ۱۳۴۰ تا حدی به چشم‌اندازهای چندگانه درباره‌ی تاریخ نزدیک شده بود ولی جریان اجتماعی و ادبی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ دست به دست هم دادند تا تجربه‌ی رمان

تاریخ‌گرا در دهه‌ی ۱۳۴۰ به غنا و پختگی بالقوه‌ی خود دست نیابد و خصلتی چندگانه و چندصدایی پیدا نکند (امیری ۱۳۸۸: ۵۹).

متاخرترین مطالعه در حوزه‌ی حافظه‌ی جمعی مقاله‌ای است از علی‌اصغر داودی (۱۳۹۱) که در آن به بررسی نقش حافظه‌ی جمعی در بروز منازعات قومی می‌پردازد. او برای پاسخ به این سؤال نخست مفهوم حافظه‌ی جمعی را مورد مذاقه قرار می‌دهد، سپس پیوند میان حافظه‌ی جمعی و منازعات قومی را بررسی می‌نماید و نهایتاً به بیان این مسئله می‌پردازد که حافظه‌ی جمعی چگونه و طی چه فرآیندی بر منازعات قومی تأثیر می‌گذارد و چگونه سبب تشدید و یا کاهش منازعات قومی می‌گردد. به‌باور داودی منازعات قومی ریشه در گذشته دارند. مردمی که یک اجتماع قومی را تشکیل می‌دهند دارای حافظه‌ی مشترکی هستند که بر هویت قومی آن‌ها تأثیرگذار است. از این‌رو حافظه‌ی جمعی نقش مهمی در بروز این منازعات ایفا می‌نماید. مهم‌ترین گام در کنترل منازعات قومی، فهم نقش گذشته‌ی جمعی در موقعیت کنونی قومیت‌هاست.

هم‌اکنون پژوهش در حوزه‌ی حافظه‌ی جمعی از جدیدترین و جذاب‌ترین حوزه‌های مطالعات در رشته‌های جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و روان‌شناسی اجتماعی است.

چهارچوب نظری تحقیق

نظریه‌های «کادر اجتماعی حافظه» از هالبواکس، «ابداع سنت» از هابزباوم و رنجر به‌همراه نظریه‌ی نسلی مانهایم چهارچوب نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. هالبواکس با ترکیب مفهوم «جمعی» دورکیم و «خاطره یا حافظه» ی برگسون واژه‌ی ترکیبی «حافظه‌ی جمعی» را ارائه کرد. او معتقد است خاطره به‌عنوان واقعیتی اجتماعی مقدم بر فرد و مستقل از اوست و از قوانین اجتماعی پیروی می‌کند. یکی از همین قوانین اجتماعی، قانون «به‌لحاظ اجتماعی بر ساخته شدن حافظه‌ی جمعی» است:

«هنگام به‌خاطر آوردن گذشته، آغوشمان را بی‌اختیار و بدون هیچ کنشی به خاطرات فراموش شده باز نمی‌کنیم؛ بلکه براساس نگرانی‌ها و نیازهای کنونی‌مان دوباره به گذشته شکل می‌دهیم.... گذشته آن‌گونه که واقعا حادث شده، دوباره به ذهن خطور نمی‌کند.... گذشته حفظ نمی‌شود، بلکه براساس زمان حال بر ساخته می‌شود» (هالبواکس ۱۹۹۲: ۴۰).

برای هالبواکس گذشته عمدتاً ساختاری اجتماعی است که به واسطه‌ی ارتباطات زمان حال شکل می‌گیرد. هالبواکس به‌عنوان واضع «رویکرد حال‌گرای»^۱ معتقد است عقاید، علایق، دغدغه‌ها و آرمان‌های زمان حال تعیین می‌کنند چه چیزهایی را از گذشته به‌یادآوریم و بر همین مبناست که برداشت‌های مختلف از گذشته شکل می‌گیرند. در واقع زائران هر دوره‌ی تاریخی تصاویری از گذشته می‌سازند که متفاوت از دوره‌های دیگر است (هالبواکس ۱۹۹۲: ۲۵). از نظر هالبواکس بازسازی گذشته در حال، یا همان حافظه‌ی جمعی، ریشه در نیاز هر جامعه به انسجام اجتماعی دارد و به‌همین دلیل هر جامعه‌ای خواستار نوعی پیوستگی با گذشته است. در این‌جا قرابت و کشش فکری هالبواکس به دورکیم به‌وضوح قابل رؤیت است؛ مخصوصاً در تأکید وی بر ماهیت جمعی آگاهی‌های اجتماعی، و ادعای وی مبنی بر این‌که گذشته‌ی تصورشده‌ی جمعی^۲، برای اتحاد یک جامعه ضروری است. هالبواکس هم‌چون دورکیم گذشته‌ی مشترک را عنصری اساسی در برساختن مجدد انسجام اجتماعی می‌داند (میستال ۲۰۰۳: ۵۰).

«رویکرد حال‌گرای» هالبواکس نشان داد حافظه‌ی جمعی چیزی نیست جز برساخته شدن گذشته در حال؛ لیکن این برساخته شدن به‌صورت اجتماعی و در درون «کادرهای اجتماعی» صورت می‌گیرد. این، دومین نکته‌ی مهم در نظریه‌ی هالبواکس به‌شمار می‌رود. درحقیقت معنای گذشته علاوه بر تغییر در زمان، بسته به کادرهای اجتماعی سیال است. بنابراین گذشته نه به‌معنای «چگونه بودن آن»، بلکه به‌معنای «چگونه تفسیر و بازتفسیر شدن آن» و چگونه «گفته و بازگفته شدن آن» است؛ و این تفسیر و بازتفسیر، و این گفته و بازگفته شدن گذشته در حال، در درون «کادرهای اجتماعی» صورت می‌گیرد. از نظر هالبواکس، هنگامی که از حافظه‌ی جمعی به‌عنوان «برساخته‌ی اجتماعی» سخن می‌گوییم، این صفت «اجتماعی» اشاره به گروه منسجمی از افراد دارد. درحقیقت افراد به‌عنوان اعضای گروه اجتماعی منسجم، دارای حافظه‌ی جمعی هستند و برهمین مبنای در هر جامعه‌ای به تعداد گروه‌های اجتماعی، حافظه‌های جمعی وجود دارد. افراد متعلق به یک طبقه‌ی اجتماعی، فرقه‌ی مذهبی، نسل، نژاد، قومیت، ملیت و دیگر کادرهای اجتماعی از حافظه‌های جمعی متفاوتی برخوردارند. کادرهای اجتماعی حافظه چنان متنوع است که حتی می‌تواند مشاغل خاص (نیروی نظامی) و خانواده را نیز دربرگیرد. البته نباید فراموش کرد این افرادند که به‌خاطر می‌آورند نه گروه‌ها، اما آن‌ها به‌دلیل قرار گرفتن در بافت

^۱ presentist approach

^۲ collectively imagined past

گروهی ویژه، گذشته را به‌خاطر آورده و بازسازی می‌کنند. در این‌جا خاطرنشان می‌سازد گستره‌ی یادآوری گذشته در حافظه‌ی جمعی گروه (کادر اجتماعی)، بسته به نوع گروه و تعاملات درونی آن و هم‌چنین شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌ای که اعضای گروه در آن به‌سر می‌برند متفاوت است. این گستره، از خاطره‌های کوچک تا بزرگ را شامل می‌شود: خاطره‌ی مربوط به کل تاریخ بشر، خاطره‌ی مربوط به حوزه‌ی فرهنگی-تمدنی خاص، خاطره‌ی مربوط به یک قوم، یک فرقه‌ی اجتماعی، یک خانواده یا حتی یک گروه دو نفره.

هالبواکس با اشاره به این نکته که هر گروه اجتماعی نظیر خانواده، گروه‌های مذهبی و یا طبقات اجتماعی، از حافظه‌ی خاصی برخوردارند، ادعا می‌کند حافظه‌ی فردی جدا از حافظه‌ی جمعی، موقتی و بی‌معنا است. هرچند هر یک از ما به‌عنوان یک فرد در «وقایع سهمیم هستیم» اما حافظه‌ی ما جمعی باقی می‌ماند چرا که همواره به‌عنوان عضو گروه می‌اندیشیم و تفکرات و اندیشه‌هایمان همواره حافظ ارتباط ما با گروه است (هالبواکس ۱۹۵۰: ۲۳ در: میستال ۲۰۰۳: ۵۳). بدین ترتیب حافظه‌ی جمعی با مقوله‌ی هویت ارتباط نزدیکی می‌یابد و افراد باتوجه به عضویتشان در کادرهای اجتماعی مختلف فهرمانان تاریخی، عصر طلایی، قربانیان و وقایع تاریخی متفاوتی را به‌یاد می‌آورند. چنین استدلالی موید ادعای پیشین دال بر تحمیل‌شوندگی «حافظه‌ی جمعی» به‌مثابه واقعیت اجتماعی است. به‌باور هالبواکس، جامعه در حافظه‌ی فرد نفوذ می‌کند و آن را در قالبی مطابق با نیازهای عقلانی‌اش می‌ریزد؛ و از همین‌رو جامعه هر لحظه پذیرای بازسازی گذشته‌اش است (هالبواکس ۱۹۹۲: ۱۷۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳). تحلیل ارگانسیستی/ساختارگرایانه‌ی هالبواکس که از دورکیم به ارث برده، تعینی ارگانیک برای اندیشه و از جمله یادآوری قائل است و هر ایده را جزئی از یک کل ارگانیک تعریف می‌کند. به‌باور وی حافظه‌ی جمعی به‌مثابه یکی از اشکال آگاهی، بخشی از ساختار و دارای کارکرد انسجام‌بخش برای کل (=گروه اجتماعی) است. در نتیجه گذشته به‌جای آن‌که «بازتاب وقایع گذشته» (آن‌گونه که حادث شده) باشد، «بازتاب نیازهای جامعه» در شرایط حال است.

رویکرد ابداع سنت به‌عنوان دومین رویکرد نظری مورد استفاده در این پژوهش، «مدیریت رسمی حافظه‌ی جمعی» را موضوع بحث قرار داده و در پی سامان‌دهی پژوهش حول سئوالاتی از این قبیل است: چه کسی محتوای حافظه‌های جمعی را کنترل و وضع می‌کند؟ حافظه‌های

ابداعی^۱ تا چه حد در خدمت اهداف و مقاصد کنونی صاحب‌منصبان قدرتند؟ این رویکرد به افشای گزینش‌گری حافظه‌ها، علل این گزینش‌گری‌ها و مسئولان آن می‌پردازد و کار محقق را در همین راستا تعریف می‌کند. در ادامه، برای مطالعه‌ی حافظه‌ی جمعی این رویکرد حول دو مفهوم کلیدی متمرکز می‌شود: «سانسور» یا «فراموشی به‌لحاظ اجتماعی سازمان‌یافته»، و «بزرگ‌داشت» یا «یادآوری به‌لحاظ اجتماعی سازمان‌یافته»؛ و آن‌ها را دو روش عمدی، آگاهانه و ابداعی دولت به‌مثابه مدیر رسمی حافظه‌ی جمعی برای مشروعیت و استحکام‌بخشی به قدرت می‌داند. این رویکرد دولت‌محور^۲، بر مکانیسم ابداع سنت و تبدیل آن به مناسک دولتی^۳ به‌عنوان ابزاری برای تعریف و ارائه‌ی حافظه‌ی رسمی تأکید می‌کند (میستال ۲۰۰۳: ۵۶). مطابق با نظریات نظریه‌پردازان این رویکرد یعنی هابزباوم و رنجر (۱۹۸۳)، سنت‌های ابداعی هم‌چون ابزاری در دست قدرت برای ایجاد نهادها، نمایش نمادین انسجام اجتماعی، و جامعه‌پذیری سیاسی افراد به‌کار گرفته می‌شوند (میستال ۲۰۰۳: ۵۷). این رویکرد، به‌ویژه با تمرکز بر نظام‌های سیاسی توتالیتر و غیردموکراتیک، «حافظه‌ی جمعی» را مترادف با مفهوم «ایدئولوژی» یا «آگاهی کاذب» دانسته و بر «روایت غالب یا ایدئولوژی رسمی بودن حافظه‌ی جمعی» و شکل‌دهی دولت به آن تأکید دارد.

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- حافظه‌ی جمعی کردها، گیلک‌ها و آذری‌ها در مورد تاریخ معاصر ایران متفاوت است.
- ۲- نسل‌های مختلف از حافظه‌های جمعی متفاوتی در خصوص تاریخ معاصر ایران برخوردارند.
- ۳- با تغییر در میزان دین‌داری افراد، حافظه‌ی جمعی افراد در مورد تاریخ معاصر ایران تغییر می‌کند.
- ۴- حافظه‌ی جمعی افراد در خصوص تاریخ معاصر ایران تحت‌تأثیر میزان تحصیلات آن‌هاست.

^۱ invented memory

^۲ state-centered

^۳ state rituals

تعریف مفاهیم

- برای عملیاتی‌سازی و سنجش متغیر «حافظه‌ی جمعی» با الهام از پژوهش‌های شومن و اسکات (۱۹۸۹)، شومن و راجرز (۲۰۰۴)، اسکات و زک (۱۹۹۳) و گریفین و هرگیس (۲۰۰۸)، از «به‌یادآوردن»^۱ به‌عنوان سنجهی «حافظه‌ی جمعی» استفاده شد و بر همین مبنا از نمونه‌ها خواسته شد مهم‌ترین وقایع ملی صد سال اخیر را با اولویت‌بندی (حداکثر ۳ اولویت) به‌شیوه‌ی خوداظهاری بیان نمایند.

- قومیت عبارت است از خودآگاهی گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی در یک سرزمین نسبت به هویت خود و نیز تفاوت قایل شدن بین خود و گروه‌های ساکن در همان منطقه (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۵). برای عملیاتی‌سازی این متغیر، از پاسخ‌گو خواسته شد قومیت خود را اظهار نماید.

- مانهایم با رویکردی تاریخی-پدیدارشناسانه معیار «ورود تجربه‌ی زیسته به میان ذهنیت یک گروه» را که در دوره‌ی زمانی اواخر نوجوانی و اوایل جوانی (حداکثر تا ۲۵ سالگی) صورت می‌گیرد، مشخصه‌ی نسلی تعریف می‌کند. بدین ترتیب، از نظر مانهایم وجود نسل‌های تاریخی نباید مفروض گرفته شوند، بلکه باید از طریق تحلیل یک گروه و ذهنیت آن، به‌طور تجربی اثبات و سپس تبیین شود (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۹). در همین چهارچوب، در این تحقیق ابتدا به‌روش باز، از نمونه‌ها در مورد تجربه‌ی زیسته‌ای که آن‌ها را به‌عنوان یک نسل قابل شناسایی می‌کند سؤال شد. این سؤال بدین شرح است: مهم‌ترین واقعه یا وقایع اجتماعی-تاریخی که شما و هم‌نسلی‌هایتان در دوره‌ی نوجوانی یا جوانی تجربه کرده و فکر می‌کنید بیش‌ترین اثر را بر شما و هم‌نسلی‌هایتان به‌عنوان یک نسل گذاشته چه واقعه‌ای بوده است؟ پس از به‌دست آوردن نتایج، «تجربه‌ی زیسته» با «رده‌بندی سنی» نمونه‌ها تقاطع داده شد. شایان ذکر است که در رده‌بندی سنی از مقاله‌ی چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) استفاده شد. در کل براساس نظریه‌ی نسلی مانهایم و پیشینه‌ی مطالعات نسلی در ایران، در این تحقیق تقسیم‌بندی نسلی اولیه به‌شرح زیر صورت گرفت که با تقسیم‌بندی‌های نسلی موجود در پیشینه‌ی تحقیق (برای مثال چیت‌ساز قمی ۱۳۸۶) نزدیکی بسیار دارد: نسل دوران کودتا و قیام ۱۵ خرداد (متولدین دهه‌ی ۱۳۱۰ و کمتر)، نسل همراه با نسل انقلاب و جنگ (متولدین دهه‌ی ۲۰)، نسل انقلاب (متولدین

^۱ mention

دهه‌ی ۳۰، نسل جنگ (متولدین دهه‌ی ۴۰)، نسل دارای خاطرات موثر از جنگ (متولدین دهه‌ی ۵۰)، نسلی که خاطره‌ای از جنگ ندارند (متولدین دهه‌ی ۶۰). این تقسیم‌بندی بعداً با توجه به نتایج به‌دست‌آمده اصلاح شد و تقسیم‌بندی جدیدی ارائه شد.

همان‌طوری که مبانی نظری این پژوهش نشان داد در کنار نسل و قومیت یکی دیگر از کادرهای حافظه، «مذهب» است. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که «حافظه‌ی جمعی»، همراه با «میزان مذهبی بودن» افراد و «نوع مذهب» آن‌ها (تشیع/تسنن) تغییر می‌کند. برای سنجش متغیر «میزان دین‌داری»، از معیار ۱۳ گویه‌ای گلاک و استارک (۱۹۶۵) استفاده شد که میزان دین‌داری را در ۴ بعد اعتقادی، مناسکی، پیامدی و تجربی می‌سنجد. هم‌چنین از آن‌جا که همه‌ی نمونه‌های مورد مطالعه مسلمان بودند نوع مذهب نمونه‌ها در سطح اسمی و در دو نوع تشیع و تسنن قابل سنجش است.

علاوه بر کادرهای نسل، قومیت، مذهب، از متغیر جنسیت و تحصیلات نیز برای بررسی تغییرات حافظه‌ی جمعی ایرانیان استفاده شده است. شومن و اسکات معتقدند قدرتمندترین عامل زمینه‌ای شرح‌دهنده‌ی فقدان حافظه‌ی جمعی «تحصیلات» است (شومن و اسکات ۱۹۸۹: ۳۶۴). عملیاتی‌سازی متغیر تحصیلات به‌گونه‌ای صورت گرفت که نشان‌دهنده‌ی تعداد سال‌های تحصیل افراد باشد. بدین ترتیب در این تحقیق مراد از متغیر تحصیلات، «میزان تحصیلات» است که در سطح فاصله‌ای قابل سنجش بوده و می‌تواند از ۰ (بی‌سواد) تا ۲۴ (دکتر) تغییر کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای پیمایشی است. افراد بالای ۲۵ سال سه شهر تبریز، رشت و سنندج به‌عنوان مراکز سه استان آذربایجان، گیلک و کرد نشین کشور، جامعه‌ی آماری این مطالعه را تشکیل می‌دهند. اعمال معیار «بالای ۲۵ سالگی» برای تعیین جامعه‌ی آماری و حجم نمونه با توجه به نظریه‌ی نسلی مانهایم صورت گرفته است. به‌باور مانهایم تجارب افراد در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی یعنی تا حدود ۲۵ سالگی شکل‌دهنده‌ی ویژگی‌های نسلی افراد است (مانهایم ۱۹۵۲: ۳۰۰؛ در: شومن و اسکات ۱۹۸۹: ۳۵۹). در همین چهارچوب، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با ضریب اطمینان ۰٫۹۵، ۳۸۴ نفر برآورد شد. با احتساب نسبت جمعیت شهرهای سه‌گانه، ۳۸۴ نمونه به‌شیوه‌ای سهمیه‌ای در سه شهر توزیع گردید. در نتیجه ۱۲۶ نمونه

از شهر رشت، ۳۵ نمونه از شهر سنندج و ۲۲۳ نمونه از شهر تبریز انتخاب شد. در هر یک از شهرهای سه‌گانه برای انتخاب نمونه‌ها از «روش نمونه‌گیری اتفاقی» و از ابزار «پرسش‌نامه» برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. از کل پرسش‌نامه‌های پر شده ۳ پرسش‌نامه مخدوش بود، در نتیجه محاسبات آماری بر روی ۳۸۱ پرسش‌نامه صورت گرفت.

هم‌چنین در این پژوهش برای سنجش میزان اعتبار «مقیاس دین‌داری» از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای بعد اعتقادی ۰,۹۲۴، برای بعد مناسکی ۰,۸۸۱، برای بعد پیامدی ۰,۸۴۷ و برای بعد تجربه‌ی دینی، ۰,۹۰۸ و برای کل گویه‌ها ۰,۹۵۱ بود که نشان‌گر هم‌سانی درونی بالا در هر یک از ابعاد چهارگانه و هم‌چنین در بین جمع کل ۱۳ گویه است.

در نهایت خاطر نشان می‌سازد جهت تحلیل استنباطی فرضیه‌های پژوهش از آزمون کای دو، پیرسون و جهت بررسی معنادار بودن اثر هر یک از متغیرهای مستقل کمی (سال تولد، میزان دین‌داری و میزان تحصیلات) بر متغیر وابسته حافظه‌ی جمعی (= به‌یادآوردن) از رگرسیون لوجستیک استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه سه قومیت گیلک، آذری و کرد هر یک به ترتیب با ۱۲۵ نفر ۳۲,۸ درصد، ۲۲۱ نفر ۵۸ درصد و ۳۵ نفر ۹,۲ درصد را شامل می‌شوند. ۵۹,۸ درصد (۲۲۸ نفر) از نمونه‌ها مرد و ۴۰,۲ درصد (۱۵۳ نفر) از آن‌ها زن می‌باشند. توزیع فراوانی سنی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد ۷,۳ درصد از آن‌ها متولدین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۴، ۱۴,۷ درصد متولدین سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۱، ۱۶,۳ درصد متولدین سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۱، ۱۷,۱ درصد متولدین سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۱، ۲۱ درصد متولدین سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۱، و ۲۳,۶ درصد متولدین سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۱ و میانگین سنی برای کل نمونه‌ها ۴۵ سال است. ۲۵,۷ درصد (۹۸ نفر) از نمونه‌ها مجرد، ۷۰,۹ درصد (۲۷۰) متأهل و ۳,۴ درصد (۱۳ نفر) از آن‌ها همسرفوت‌کرده می‌باشند.

میانگین تحصیلات نمونه‌های مورد مطالعه ۱۳ سال تحصیلی تقریباً معادل دیپلم متوسطه است. ۹۲,۱ درصد (۳۵۱ نفر) از نمونه‌ها شیعه و ۷,۹ درصد (۳۰ نفر) از آن‌ها اهل تسنن می‌باشند. کنکاشی در داده‌های به‌دست‌آمده در خصوص حافظه‌ی جمعی ایرانیان نشانگر نتایج جالب توجهی است. جدول زیر وقایع ملی حک‌شده در حافظه‌ی جمعی ایرانیان را به‌ترتیب اولویت تصویر کرده است.

جدول شماره ۱: اولویت وقایع تاریخ معاصر ایران در حافظه‌ی جمعی نمونه‌های مورد مطالعه

وقایع ملی	اولویت					
	اول		دوم		سوم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
انقلاب اسلامی	۱۵۳	۴۰,۲	۷۸	۲۰,۵	۳۵	۹,۲
انتخابات سال ۱۳۸۸	۴۳	۱۱,۳	۳۷	۹,۷	۲۹	۷,۶
ملی شدن صنعت نفت	۳۴	۸,۹	۳۱	۸,۱	۲۶	۶,۸
جنگ ایران و عراق	۲۱	۵,۵	۶۷	۱۷,۶	۲۷	۷,۱
کودتای ۲۸ مرداد	۲۰	۵,۲	۲۵	۶,۸	۷	۱,۸
هدف‌مندی یارانه‌ها	۱۹	۵	۱۳	۳,۴	۵	۱,۳
غائله‌ی آذربایجان	۱۳	۳,۴	۲	۰,۵	۸	۲,۱
وقایع پراکنده با فراوانی اندک	۶۶	۱۷,۴	۶۸	۱۷,۷	۵۲	۱۴
دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای	۱۲	۳,۱	۲۶	۶,۸	۱۲	۳,۱
نمی‌دانم	۰	۰	۳۴	۸,۹	۱۸۰	۴۷
کل	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد «انقلاب اسلامی» مهم‌ترین واقعه‌ی ملی حک‌شده در حافظه‌ی جمعی ایرانیان است، به‌طوری که نمونه‌های مورد مطالعه این واقعه را در هر سه اولویت اول، دوم و سوم به‌عنوان مهم‌ترین واقعه‌ی ملی معرفی کرده‌اند. بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که در اولویت اول پس از واقعه‌ی «انقلاب اسلامی» به‌ترتیب انتخابات سال ۱۳۸۸، ملی شدن صنعت نفت، جنگ ایران و عراق، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، هدف‌مندی یارانه‌ها و غائله‌ی

آذربایجان به‌عنوان مهم‌ترین وقایع ملی بیان شده‌اند. لازم به ذکر است چنان‌چه ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نه به‌عنوان دو واقعه‌ی منفرد بلکه به‌عنوان وقایع مرتبط با نخست‌وزیری مصدق در نظر گرفته شوند، می‌توانند (با ۱۴,۱ درصد) مقام دومین واقعه‌ی مهم در تاریخ معاصر ایران را به خود اختصاص دهند و بدین ترتیب وقایع مربوط به انتخابات سال ۱۳۸۸ سومین واقعه‌ی مهم در اولویت اول نمونه‌ها خواهد بود. درخصوص واقعه‌ی انتخابات سال ۱۳۸۸ باید به این نکته‌ی مهم در مطالعات حافظه‌ی جمعی اشاره کرد که نزدیکی واقعه در به‌یادآوری آن نقش شایان توجهی دارد (نگاه کنید به شومن و راجرز، ۲۰۰۴) و به‌همین دلیل باوجود فراوانی بالای این واقعه در اظهارات پاسخ‌گویان، می‌توان تفاوتی محسوس مابین این واقعه و وقایعی مانند کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ یا ملی شدن صنعت نفت، یا انقلاب اسلامی و حتی جنگ ایران و عراق قائل شد؛ چرا که گذشت زمان اهمیت واقعه‌ی انتخابات سال ۱۳۸۸ را به‌تدریج کاهش خواهد داد.

در اولویت دوم پس از انقلاب اسلامی (با ۲۰,۵ درصد)، جنگ ایران و عراق (با ۱۷,۶ درصد) به‌عنوان دومین واقعه‌ی مهم در تاریخ معاصر ایران شناخته شده است. در اولویت دوم جایگاه سوم، چهارم، پنجم و ششم به‌ترتیب به انتخابات سال ۱۳۸۸، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای اختصاص دارد. در این‌جا نیز چنان‌چه ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به‌عنوان وقایع مرتبط با نخست‌وزیری مصدق با هم ترکیب شوند می‌توانند (با ۱۴,۹ درصد) به‌جای وقایع انتخابات سال ۱۳۸۸ مقام سومین واقعه‌ی مهم را به خود اختصاص دهند.

در اولویت سوم، مهم‌ترین وقایع ملی با فاصله‌ای اندک به‌ترتیب عبارتند از انقلاب اسلامی (با ۹,۲ درصد)، انتخابات سال ۱۳۸۸ (با ۷,۶ درصد)، جنگ ایران و عراق (با ۷,۱ درصد) و ملی شدن صنعت نفت (با ۶,۸ درصد). پس از توصیف کلی جایگاه وقایع مختلف ملی در حافظه‌ی جمعی پاسخ‌گویان، حال توزیع این وقایع در حافظه‌ی جمعی قومیت‌های سه‌گانه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جدول شماره ۲: تقاطع «یادآوری مهم‌ترین واقعه‌ی صد سال اخیر» و «قومیت»

وقایع ملی	فراوانی و درصد	اولویت اول			اولویت دوم			اولویت سوم		
		گیلک	کرد	آذری	گیلک	کرد	آذری	گیلک	کرد	آذری
انقلاب اسلامی	فراوانی	۶۰	۸	۸۵	۲۸	۲	۴۸	۷	۴	۲۴
	درصد	۴۸	۲۲/۹	۳۸/۵	۲۲،۴	۵،۷	۲۱،۷	۵،۶	۱۱،۴	۱۰،۹
انتخابات سال ۱۳۸۸	فراوانی	۱۶	۳	۲۴	۱۰	۵	۲۲	۹	۶	۱۴
	درصد	۱۲/۸	۸/۶	۱۰/۹	۸	۱۴،۳	۱۰	۷،۲	۱۷،۱	۶،۳
ملی شدن صنعت نفت	فراوانی	۱۹	۳	۱۲	۱۲	۴	۱۵	۱۰	۳	۱۳
	درصد	۱۵/۲	۸/۶	۵/۴	۹،۶	۱۱،۴	۶،۸	۸	۸،۶	۵،۹
جنگ ایران و عراق	فراوانی	۷	۱	۱۳	۲۱	۴	۴۲	۷	۳	۱۷
	درصد	۵/۶	۲/۹	۵/۹	۱۶،۸	۱۱،۴	۱۹	۵،۶	۸،۶	۷،۷
کودتای ۲۸ مرداد	فراوانی	۸	۰	۱۲	۱۰	۰	۱۵	۲	۱	۴
	درصد	۶/۴	۰	۵/۴	۸	۰	۶،۸	۱،۶	۲،۹	۱،۸
هدف‌مندی یارانه‌ها	فراوانی	۴	۷	۸	۵	۳	۵	۱	۱	۳
	درصد	۳/۲	۲۰	۳/۶	۴	۸،۶	۲،۳	۰،۸	۲،۹	۱،۴
غائله‌ی آذربایجان	فراوانی	۰	۰	۱۳	۰	۰	۲	۰	۰	۸
	درصد	۰	۰	۵/۹	۰	۰	۰،۹	۰	۰	۳،۶
دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای	فراوانی	۱	۴	۷	۱۳	۴	۹	۳	۳	۶
	درصد	۰،۸	۱۱،۴	۳،۲	۱۰،۴	۱۱،۴	۴،۱	۲،۴	۸،۶	۲،۷
وقایع پراکنده با فراوانی اندک	فراوانی	۱۰	۹	۴۷	۱۳	۱۰	۴۵	۱۵	۳	۳۴
	درصد	۸	۲۵،۶	۲۱،۲	۱۰،۴	۲۸،۶	۲۰،۳	۱۲	۸،۵	۱۵،۴
نمی‌دانم	فراوانی	۰	۰	۰	۱۳	۳	۱۸	۷۱	۱۱	۹۸
	درصد	۰	۰	۰	۱۰،۴	۸،۶	۸،۱	۵۶،۸	۳۱،۴	۴۴،۳
کل	فراوانی	۱۲۵	۳۵	۲۲۱	۱۲۵	۳۵	۲۲۱	۱۲۵	۳۵	۲۲۱
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بررسی مقایسه‌ای حافظه‌ی جمعی سه قومیت آذری، گیلک و کرد نشان‌گر تفاوت‌های جالب توجهی است. آذری‌ها و گیلک‌ها در مقایسه با کردها در «اولویت اول» تقریباً الگوی یادآوری مشابهی دارند. آذری‌ها در اولویت اول به‌ترتیب واقعه‌ی انقلاب اسلامی (۳۸،۵ درصد)، انتخابات

سال ۱۳۸۸ (۱۰,۹ درصد)، جنگ ایران و عراق و غائله‌ی آذربایجان (هر کدام با ۵,۹ درصد)، ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ (هر کدام با ۵,۴ درصد)، هدف‌مندی یارانه‌ها (۳,۶ درصد) و دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای (۳,۲ درصد) را به‌عنوان مهم‌ترین وقایع ملی در صد سال اخیر ذکر کرده‌اند. این یافته برای گیلک‌ها بدین شرح است: انقلاب اسلامی (۴۸ درصد)، انتخابات سال ۱۳۸۸ (۱۲,۸ درصد)، ملی شدن صنعت نفت (۱۵,۲ درصد)، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ (۶,۴ درصد)، جنگ ایران و عراق (۵,۶ درصد)، هدف‌مندی یارانه‌ها (۳,۲ درصد) و دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای (۰,۸ درصد). درمقابل ترتیب وقایع در حافظه‌ی جمعی کردها در اولویت اول به این ترتیب می‌باشد: انقلاب اسلامی (۲۲,۹ درصد)، هدف‌مندی یارانه‌ها (۲۰ درصد)، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای (۱۱,۴ درصد)، انتخابات سال ۱۳۸۸ و ملی شدن صنعت نفت (هر کدام با ۸,۹ درصد) و جنگ ایران و عراق (۲,۹ درصد). نکته‌ی قابل توجه آن‌که در اولویت اول آذری‌ها بیشتر از دو قومیت دیگر از حافظه‌ی جمعی قومی برخوردارند.

در اولویت دوم نیز تفاوت‌ها بین دو قومیت آذری و گیلک از یک سو و کرد از سوی دیگر مشهود است. آذری‌ها به‌ترتیب انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، انتخابات سال ۱۳۸۸، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، هدف‌مندی یارانه‌ها و غائله‌ی آذربایجان را به‌عنوان مهم‌ترین وقایع ملی صد سال گذشته در اولویت دوم بیان کرده‌اند. یافته برای قومیت گیلک مشابه قومیت آذری است: انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، ملی شدن صنعت نفت، انتخابات سال ۱۳۸۸، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و نهایتاً هدف‌مندی یارانه‌ها. این یافته برای کردها به‌شکل جالب توجهی متفاوت است: انتخابات سال ۱۳۸۸، ملی شدن صنعت نفت، جنگ تحمیلی، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، هدف‌مندی یارانه‌ها و نهایتاً انقلاب اسلامی.

در یک جمع‌بندی کلی اطلاعات مندرج در جدول فوق برای اولویت اول و دوم و حتی سوم، می‌توان چنین ادعا نمود که برای کردها در مقایسه با آذری‌ها و گیلک‌ها وقایع دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای و هدف‌مندی یارانه‌ها وقایعی بالنسبه مهم‌تر و برعکس واقعه‌ی انقلاب اسلامی واقعه‌ای نسبتاً کم‌اهمیت‌تر قلمداد می‌شود. هم‌چنین مجدداً خاطر نشان می‌سازد آذری‌ها در مقایسه با کردها و به‌ویژه گیلک‌ها از حافظه‌ی جمعی قومیتی‌تر برخوردارند.

پس از توصیف حافظه‌ی جمعی قومیت‌های سه‌گانه، حال رابطه‌ی بین دو متغیر حافظه‌ی جمعی و قومیت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. جدول زیر رابطه‌ی این دو متغیر در دو اولویت اول و دوم را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۳: وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیر قومیت و اولین واقعه‌ی به‌یادآمده (به‌همراه میزان رابطه)

وجود و میزان رابطه بین قومیت و یادآوری در اولویت اول و دوم		آزمون	مقدار	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
وجود و میزان رابطه بین قومیت و اولین واقعه‌ی به‌یادآمده	وجود یا عدم وجود رابطه	کای دو پیرسون	۳۰,۵۲۲	۸	۰,۰۰۰
	میزان رابطه	نسبت درست‌نمایی	۳۱,۳۵۸	۸	۰,۰۰۰
		تعداد داده‌های معتبر	۳۸۱		
		فی	۰,۲۸۳		۰,۰۰۰
	وجود یا عدم وجود رابطه	کرامر	۰,۲۰۰		۰,۰۰۰
		موارد معتبر	۳۸۱		
کای دو پیرسون		۲۰,۲۴۸	۱۲	۰,۰۶۳	
وجود و میزان رابطه بین قومیت و دومین واقعه‌ی به‌یادآمده	وجود یا عدم وجود رابطه	نسبت درست‌نمایی	۲۳,۶۶۸	۱۲	۰,۰۲۳
	میزان رابطه	تعداد داده‌های معتبر	۳۸۱		
		کای دو پیرسون	۲۰,۲۴۸	۱۲	۰,۰۶۳

برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بین دو متغیر قومیت و یادآوری وقایع ملی (در اولویت اول) آزمون کای دوی پیرسون انجام شد. جدول بالا مقدار درجه‌ی آزادی و sig آماره‌های کای دو پیرسون و کای دو لگاریتمی را نشان می‌دهد. باتوجه به این‌که مقدار sig آماره‌ی کای دو پیرسون (۰,۰۰۰) کم‌تر از ۰,۰۱ است می‌توان ادعا کرد به‌احتمال ۹۹٪ بین دو متغیر رابطه وجود دارد. بنابراین فرض صفر که حاکی از عدم وجود رابطه بین دو متغیر است، با احتمال ۹۹٪ رد می‌شود. یافته‌ی اخیر فرضیه‌ی نخست این پژوهش دال بر «تفاوت قومیتی در یادآوری وقایع ملی» را تایید می‌کند.

پس از تایید وجود رابطه بین دو متغیر، در گام دوم میزان این ارتباط مورد بررسی قرار گرفت. مقدار ضرایب فی (۰,۲۸۳) و کرامر (۰,۲۰۰) و سطح معنی‌داری آن‌ها (هر دو کمتر از ۰,۰۱) نشان می‌دهد بین دو متغیر «یادآوری وقایع ملی در اولویت اول» و «قومیت» رابطه‌ی تقریباً ضعیفی وجود دارد. با نگاهی به تفاوت‌ها در نوع وقایع به‌یادآمده در نزد قومیت‌های

سه‌گانه در اولویت اول می‌توان چنین ادعا کرد که با وجود تفاوت قومیتی در یادآوری، این تفاوت، تفاوت در یادآوری وقایع ملی است. به عبارت دقیق‌تر، تفاوت در بین سه قومیت، تفاوت در یادآوری نوع وقایع ملی است، تا تفاوت در یادآوری نوع وقایع قومی. در تبیین تفاوت بین سه قومیت در یادآوری وقایع ملی باید به تجارب متفاوت سه قومیت از وقایع متفاوت ملی اشاره کرد. برای مثال واقعه‌ی جنگ ایران و عراق برای قومیت‌های مختلف به دلیل مجاورت یا دوری از مرزهای ملی می‌تواند اهمیت متفاوتی داشته باشد. پیش‌تر گریفین و هرگیس (۲۰۰۸) بر اثر متفاوت وقایع گوناگون ملی در نواحی مختلف هر کشور تاکید کرده بودند. نتایج این پژوهش موید ادعای گریفین و هرگیس (۲۰۰۸) است چرا که برای قومیت‌های ساکن در سه شهر رشت، تبریز و سنندج وقایع ملی متفاوتی در صد سال اخیر از اولویت و اهمیت متفاوت برخوردارند.

هم‌چنین نتایج جدول اخیر نشان می‌دهد مابین متغیرهای «یادآوری واقعه‌ی ملی در صد سال اخیر (اولویت دوم)» و «قومیت» رابطه‌ای وجود ندارد. به عبارت دقیق‌تر سطح معنی‌داری آزمون کای دو (۰,۰۶۳) گواه بر آن است که در اولویت دوم، یادآوری واقعه و قومیت رابطه‌ای با هم ندارند.

پس از بررسی کادر اجتماعی «قومیت» و دست‌یابی به این یافته که حافظه‌ی جمعی قومیت‌های سه‌گانه با وجود تفاوت بیش از آن که قومی باشد ملی است، حال نقش کادر اجتماعی «نسل» در شکل‌دهی به حافظه‌ی جمعی نمونه‌های مورد مطالعه را بررسی می‌کنیم. در بررسی حافظه‌ی نسلی، مفهوم «تجربه‌ی زیسته‌ی درونی شده»ی مانهایم جایگاهی محوری دارد، لذا از پاسخ‌گویان در مورد «وقایع نسل‌ساز اثرگذار بر فرد» سؤال شد. البته پیش از جمع‌آوری داده‌های میدانی، یک گروه‌بندی نسلی پیشینی با الهام از مقاله‌ی «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی» چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶: ۹۴) صورت گرفت که برمبنای آن متولدین دهه‌ی ۱۳۱۰ و کم‌تر «نسل دوران کودتا و قیام ۱۵ خرداد»، متولدین دهه‌ی ۱۳۲۰ «نسل همراه با نسل انقلاب و جنگ»، متولدین دهه‌ی ۱۳۳۰ «نسل انقلاب»، متولدین دهه‌ی ۱۳۴۰ «نسل جنگ»، متولدین دهه‌ی ۱۳۵۰ «نسل دارای خاطرات موثر از جنگ»، متولدین دهه‌ی ۱۳۶۰ «نسل فاقد خاطره از جنگ» تعریف شدند.

هم‌چنین به دلیل محدودیت تئوریک ناشی از کاربرد نظریه‌ی نسلی مانهایم که بر سن ۲۵ سالگی به عنوان نقطه پایان شکل‌گیری نسلی تاکید می‌کند، جوان‌ترین فرد این پژوهش متولد سال ۱۳۶۷ و سال‌خورده‌ترین آن‌ها متولد سال ۱۳۰۴ است، لذا کران پایینی و بالایی رده‌بندی سنی به ترتیب متولدین ۱۳۰۴ و ۱۳۶۷ می‌باشد. یافته‌ها تا حدودی نتایج مطالعه‌ی چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) را تایید می‌کند ولی درعین حال تفاوت‌هایی با گروه‌بندی نسلی وی دارد چرا که در رویکرد مانهایمی نسل تلفیقی از «سن» و «تجربه‌ی زیسته‌ی درونی‌شده» است و در تعریف نسل تنها به مقوله‌ی بیولوژیکی سن اکتفا نمی‌شود. جدول زیر توزیع نوع وقایع اثرگذار بر افراد (در اولویت اول) را در نسل‌های مختلف نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۴: تقاطع «یادآوری اثرگذارترین وقایع صد سال اخیر (در اولویت اول) بر فرد»

و «نسل»^۱

وقایع ملی	فراوانی و درصد	نسل						کل
		۱۳۲۰- ۱۳۰۴ (نسل کودتا)	۱۳۳۰- ۱۳۲۱ (همراه با انقلاب و جنگ)	۱۳۴۰- ۱۳۳۱ (انقلاب)	۱۳۵۰- ۱۳۴۱ (جنگ)	۱۳۶۰- ۱۳۵۱ (دارای خاطره‌ی موثر از جنگ)	۱۳۶۷- ۱۳۶۱ (بدون خاطره از جنگ)	
	تعداد	۱	۲۸	۴۹	۲۸	۱۰	۲	۱۱۸
انقلاب	درصد سطری	۰/۸	۲۳/۷	۴۱/۵	۲۳/۷	۸/۵	۱/۷	۱۰۰
اسلامی	درصد ستونی	۳/۶	۵۰	۷۹	۴۳/۱	۱۲/۵	۲/۲	۳۱
	تعداد	۰	۱	۰	۲	۲۸	۵۱	۸۲
انتخابات سال ۱۳۸۸	درصد سطری	۰	۱/۲	۰	۲/۴	۳۴/۱	۶۲/۲	۱۰۰
	درصد ستونی	۰	۱/۸	۰	۳/۱	۳۵	۵۶/۷	۲۱/۵
	تعداد	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
ملی شدن نفت	درصد سطری	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
	درصد ستونی	۳,۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۳
	تعداد	۱	۶	۸	۲۶	۲۶	۶	۷۳

^۱. پاسخها به سؤال «مهمترین وقایع اثرگذار بر فرد» با پاسخها به سؤال «مهمترین وقایع ملی در صد سال اخیر» که مبنای سایر جداول این مقاله است لزوماً یکسان نیست.

جنگ	درصد سطری	۱/۴	۸/۲	۱۱	۳۵/۶	۳۵/۶	۸/۲	۱۰۰
ایران و عراق	درصد ستونی	۳/۶	۱۰/۷	۱۲/۹	۴۰	۳۲/۵	۶/۷	۱۹/۲
کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲	تعداد	۱۷	۲	۰	۰	۰	۰	۱۹
	درصد سطری	۸۹/۵	۱۰/۵	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
	درصد ستونی	۶۰/۷	۳/۶	۰	۰	۰	۰	۵
هدف‌مندی یارانه‌ها	تعداد	۰	۰	۰	۰	۴	۲	۶
	درصد سطری	۰	۰	۰	۰	۶۶,۷	۳۳,۳	۱۰۰
	درصد ستونی	۰	۰	۰	۰	۵	۲,۲	۱,۶
غائله‌ی آذربایجان	تعداد	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۳
	درصد سطری	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۰,۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰,۸
هیچ واقعه‌ای	تعداد	۰	۱	۱	۰	۲	۱۱	۱۵
	درصد سطری	۰	۶,۷	۶,۷	۰	۱۳,۳	۷۳,۳	۱۰۰
	درصد ستونی	۰	۱/۸	۱/۶	۰	۲/۵	۱۲/۲	۳/۹
وقایع پراکنده	تعداد	۵	۱۸	۴	۸	۱۰	۱۲	۵۷
	درصد سطری	۸,۸	۳۱,۶	۷	۱۴	۱۷,۵	۲۱	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۷,۸	۳۲,۱	۶,۵	۱,۲	۱۲,۵	۱۳,۳	۱۴,۹
دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای	تعداد	۰	۰	۰	۱	۰	۶	۷
	درصد سطری	۰	۰	۰	۱۴,۳	۰	۸۵,۷	۱۰۰
	درصد ستونی	۰	۰	۰	۱,۵	۰	۶,۷	۱,۸
کل	تعداد	۲۸	۵۶	۶۲	۶۵	۸۰	۹۰	۳۸۱
	درصد سطری	۷/۳	۱۴/۷	۱۶/۳	۱۷/۱	۲۱	۲۳/۶	۱۰۰
	درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

یافته‌ها نشان می‌دهد «کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲» مهم‌ترین واقعه‌ی ملی حک شده در ذهن متولدین دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۰۰ است، چرا که بیش از ۶۰ درصد آن‌ها از بین وقایع متنوع بر واقعه‌ی مذکور تاکید کرده‌اند. متولدین دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ بر دو واقعه‌ی «انقلاب اسلامی» و «جنگ» تاکید کرده‌اند، با این تفاوت که ۵۰ درصد متولدین دهه‌ی ۱۳۲۰ و ۷۹ درصد

متولدین ۱۳۳۰ واقعه‌ی «انقلاب اسلامی» را مهم ارزیابی کرده‌اند؛ حال آن‌که میزان اهمیت این واقعه در متولدین دهه‌ی ۱۳۴۰ به ۴۳ درصد کاهش یافته است. در مقابل اهمیت واقعه‌ی جنگ ایران و عراق در متولدین دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به ترتیب ۱۰،۷، ۱۲،۹ و ۴۰ درصد است، که نشان‌گر تاثیر عمیق واقعه جنگ در کنار واقعه‌ی انقلاب اسلامی بر متولدین دهه‌ی ۱۳۴۰ است. در متولدین دهه‌ی ۱۳۶۰ از تاثیر واقعه‌ی جنگ تا حدود اندکی و واقعه‌ی انقلاب اسلامی به شکل محسوسی کاسته شده و در مقابل بر وزن انتخابات سال ۱۳۸۸ افزوده شده است. برخلاف سایر نمونه‌ها، به یک‌باره در متولدین دهه‌ی ۱۳۶۰ واقعه‌ی انتخابات سال ۱۳۸۸ اهمیتی محوری می‌یابد به طوری که بیش از ۶۲ درصد آن‌ها آن را مهم‌ترین واقعه‌ی اثرگذار ارزیابی می‌کنند.

پس از بررسی توصیفی توزیع نسلی حافظه‌ی جمعی نمونه‌های مورد مطالعه، حال رابطه‌ی گروه‌های سنی و یادآوری را مورد بررسی قرار می‌دهیم. جدول زیر وجود یا عدم وجود رابطه و شدت این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۵: وجود یا عدم وجود رابطه بین گروه‌های سنی و اولین واقعه‌ی به یادآمده

(به همراه میزان ارتباط)

سطح معناداری	درجه‌ی آزادی	مقدار	آزمون	وجود و میزان رابطه
۰,۰۰۰	۱۶	۵۲,۰۳۴	کای دو پیرسون	وجود یا عدم وجود رابطه
۰,۰۰۰	۱۶	۵۵,۱۴۵	نسبت درستمائی	
		۳۸۱	تعداد داده‌های معتبر	
۰,۰۰۰		۰,۳۷۰	فی	میزان رابطه
۰,۰۰۰		۰,۱۸۵	کرامر	
		۳۸۱	موارد معتبر	

همان‌طور که از نتیجه‌ی آزمون کای اسکوتر پیداست مقدار سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا با احتمال ۹۹٪ بین دو متغیر «به یادآوری واقعه در اولویت اول» و «گروه‌های سنی» رابطه وجود دارد و فرض صفر که حاکی از عدم ارتباط دو متغیر است رد می‌شود. همچنین ضرایب فی و کرامر نشان‌دهنده‌ی شدت این ارتباط است. یافته‌های اخیر مفروضات نظریه‌ی نسلی کارل مانهایم دال بر دویعدی بودن پدیده‌ی نسل (بعدهای سن و تجربه‌ی زیسته) را تایید

می‌کند، به طوری که می‌توان نمونه‌های مورد مطالعه را بر مبنای سن و تجربه‌ی زیسته در نسل‌های مختلف به شرح زیر دسته‌بندی کرد: متولدین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ «نسل کودتای ۲۸ مرداد»، متولدین دهه‌ی دوم و سوم «نسل انقلاب»، متولدین دهه‌ی چهارم «نسل انقلاب و جنگ»، متولدین دهه‌ی پنجم «نسل جنگ»، و متولدین دهه‌ی ششم را «نسل انتخابات» نامید. یافته‌ی اخیر، نسلی بودن حافظه‌ی جمعی (فرضیه‌ی دوم این پژوهش) و ادعای نظری موریس هالبواکس در خصوص عملکرد مقوله‌ی نسل به مثابه کادر اجتماعی حافظه را تایید می‌کند. به علاوه یافته‌ی اخیر تاییدکننده‌ی این مدعای کارل مانهایم است که اساساً باید به نسل از زاویه‌ی پدیدارشناسانه نگریست و آن را با محوریت مقوله‌ی «تجربه‌ی زیسته‌ی درونی‌شده» تعریف کرد. به باور مانهایم اگر سال‌ها بگذرد و انسان‌ها طی آن سال‌ها تجربه‌ی زیسته‌ی یکسانی داشته باشند همه‌ی آن‌ها یک نسل را تشکیل خواهند داد، حتی اگر تفاوت سنی قابل توجهی داشته باشند؛ لذا صرف مقوله‌ی سن نمی‌تواند تعریف‌کننده‌ی نسل باشد. در این‌جا مفهوم زمان به مفهوم زمان اجتماعی تغییر می‌یابد. دقیقاً به همین دلیل متولدین «دو دهه»ی ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ با وجود دامنه‌ی سنی ۲۰ ساله به دلیل تجربه‌ای واحد تبدیل به نسل انقلاب شده‌اند ولی متولدین «دهه»ی ۱۳۵۰ نسل جنگ و متولدین «دهه»ی ۱۳۶۰ نسل انتخابات خوانده می‌شوند. سرعت زمان اجتماعی در دهه‌های اخیر در مقایسه با دهه‌های قبل تر به دلیل وقوع وقایع اثرگذار بر زندگی افراد بیشتر بوده است لذا نسل‌ها در متولدین دهه‌های اخیر با وجود نزدیکی سنی از یکدیگر متمایز شده‌اند.

در بخش مروری بر مطالعات پیشین، برخی محققین (برای مثال شوارتز و اسکات، ۱۹۸۹) بر نقش تحصیلات در نوع یادآوری گذشته تاکید داشتند. در این پژوهش، در فرضیه‌ی شماره‌ی ۴ بر ارتباط بین میزان تحصیلات افراد و نوع یادآوری آن‌ها از تاریخ معاصر ایران تاکید شده بود. جدول زیر تقاطع «یادآوری مهم‌ترین واقعه‌ی صد سال اخیر» و «میزان تحصیلات» را به نمایش گذاشته است.

جدول شماره ۹: نقاط «یادآوری مهم‌ترین واقعه‌ی صد سال اخیر» و «میزان تحصیلات»

اولویت و تحصیلات و قلیح و فراوانی	اولویت اول					اولویت دوم					اولویت سوم				
	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر و بالاتر	فوق لیسانس	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر و بالاتر	فوق لیسانس	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر و بالاتر	
	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	اندایی	
انقلاب اسلامی	۱۷	۵۵	۶۵	۱۳	۳	۳	۲۰	۳۳	۱۵	۱	۳	۱۲	۱۷	۳	۰
درصد	۴۵٫۹	۵۰	۳۶٫۵	۳۷٫۱	۳۷٫۵	۲۴٫۳	۱۸٫۲	۱۸٫۵	۳۷٫۳	۱۲٫۵	۸٫۱	۱۰٫۹	۹٫۶	۶٫۳	۰
انتخابات سال ۸۸	۰	۲	۱۳	۱۸	۰	۱	۴	۲۲	۸	۲	۰	۳	۱۷	۶	۳
درصد	۰	۱٫۸	۱۳٫۹	۳۷٫۵	۰	۲٫۷	۳٫۶	۱۴٫۴	۱۶٫۷	۲٫۵	۰	۲٫۷	۹٫۶	۱۳٫۵	۳۷٫۵
ملی شدن صنعت نفت	۱	۷	۱۷	۸	۱	۱	۵	۱۸	۶	۱	۱	۵	۱۶	۳	۱
درصد	۲٫۷	۶٫۴	۹٫۶	۱۶٫۷	۱٫۵	۲٫۷	۵٫۵	۱۰٫۱	۱۳٫۵	۱٫۵	۲٫۷	۴٫۵	۹	۶٫۳	۱۲٫۵
جنگ ایران و عراق	۸	۶	۷	۰	۰	۱۱	۳۰	۲۴	۲	۰	۱	۱۲	۱۰	۴	۰
درصد	۲۱٫۶	۵٫۵	۳٫۹	۰	۰	۲۹٫۷	۳۷٫۳	۱۳٫۵	۵٫۲	۰	۲٫۷	۱۰٫۹	۵٫۶	۸٫۳	۰
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	۱	۵	۱۱	۱	۲	۱	۷	۱۴	۳	۰	۰	۳	۳	۰	۱
درصد	۲٫۷	۵٫۵	۶٫۲	۲٫۱	۲٫۵	۲٫۷	۶٫۴	۱۳٫۵	۷٫۹	۰	۰	۲٫۷	۱٫۷	۰	۱۲٫۵
هدف‌مندی یارانه‌ها	۴	۳	۱۲	۰	۰	۱	۶	۵	۱	۰	۱	۲	۲	۰	۰
درصد	۱۰٫۸	۲٫۷	۶٫۷	۰	۰	۲٫۷	۵٫۵	۲٫۸	۰٫۳	۰	۲٫۷	۱٫۸	۱٫۱	۰	۰
غائله‌ی آذربایجان	۳	۵	۴	۱	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۷	۱	۰
درصد	۸٫۱	۴٫۵	۲٫۲	۲٫۱	۰	۰	۰	۰	۵٫۲	۰	۰	۰	۳٫۹	۲٫۱	۰
دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای	۰	۵	۵	۲	۰	۰	۸	۱۵	۱	۲	۰	۳	۸	۱	۰
درصد	۰	۴٫۵	۲٫۸	۴٫۲	۰	۰	۷٫۳	۸٫۴	۲٫۱	۲٫۵	۰	۲٫۷	۴٫۵	۲٫۱	۰
وقایع پراکنده با فراوانی کم	۳	۲۲	۳۴	۵	۲	۱۳	۳۷	۳۴	۸	۲	۴	۱۴	۲۲	۱۰	۲
درصد	۸٫۲	۲۰٫۱	۱۹٫۲	۱۰٫۳	۲٫۵	۱۹	۱۵٫۴	۱۹٫۱	۱۲٫۲	۲٫۵	۱۰٫۸	۱۲٫۹	۱۲٫۳	۵٫۱	۲٫۵
نمی‌دانم	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۱۳	۱۳	۲	۰	۲۷	۵۶	۷۶	۲۰	۱
درصد	۰	۰	۰	۰	۰	۱۶٫۲	۱۸٫۸	۱۷٫۳	۵٫۲	۰	۷۳	۵۰٫۹	۴۲٫۷	۱۱٫۲	۱۲٫۵
کل	۳۷	۱۱۰	۱۷۸	۴۸	۸	۳۷	۱۱۰	۱۷۸	۴۸	۸	۳۷	۱۱۰	۱۷۸	۴۸	۸
درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بنابر اطلاعات مندرج در جدول فوق تحصیلات به‌عنوان متغیری کلیدی بر یادآوری افراد از گذشته‌ی تاریخی‌شان اثر دارد. همان‌طوری که اطلاعات جدول ۹ نشان می‌دهد برای افرادی با سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر در اولویت اول به‌ترتیب وقایع انتخابات سال ۱۳۸۸ (با ۳۳٫۳ درصد)، انقلاب اسلامی (با ۲۹٫۶ درصد)، دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای (با ۲۲٫۲ درصد)، ملی شدن صنعت نفت (با ۱۶٫۷ درصد) و کودتای ۲۸ مرداد (با ۵٫۵ درصد) به‌ترتیب بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج برای نمونه‌هایی با سطح تحصیلات لیسانس در اولویت اول بدین ترتیب است: انقلاب اسلامی (با ۳۶٫۵ درصد)، انتخابات سال ۱۳۸۸ (با ۱۲٫۹ درصد)، هدف‌مندی یارانه‌ها (با ۹٫۷ درصد)، ملی شدن صنعت نفت (با ۹٫۶ درصد)، کودتای ۲۸ مرداد (با ۶٫۲ درصد) و نهایتاً جنگ ایران و عراق (با ۳٫۹ درصد). در سطح دیپلم، به‌یک‌باره ۵۰ درصد فراوانی‌ها به انقلاب اسلامی اختصاص یافته و وقایع بعدی در مقایسه با واقعه‌ی انقلاب درصدهای بسیار کمی کسب کرده‌اند (به‌ترتیب ملی شدن صنعت نفت با ۶٫۴ درصد، جنگ با ۵٫۵ درصد، کودتای ۲۸ مرداد و غائله‌ی آذربایجان و انرژی هسته‌ای هر کدام با ۴٫۵ درصد، هدف‌مندی یارانه‌ها با ۲٫۷ درصد و انتخابات سال ۱۳۸۸ با ۱٫۸ درصد). درصدها برای وقایع ملی در نمونه‌هایی با سطح تحصیلات ابتدایی تغییرات جالب توجهی

می‌کند، به طوری که پس از واقعه‌ی انقلاب (با ۴۵,۹ درصد)، وقایع جنگ ایران و عراق (با ۲۱,۶ درصد)، هدف‌مندی یارانه‌ها (با ۱۰,۸ درصد) و غائله‌ی آذربایجان (با ۸,۱ درصد) فراوانی‌های قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهند و درمقابل درمقایسه با افرادی با تحصیلات بیش‌تر، از درصد دو واقعه‌ی ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ کاسته می‌شود؛ به طوری که درصد هر یک از دو واقعه‌ی اخیر در افرادی با تحصیلات ابتدایی ۲,۷ درصد است. پس از بررسی توصیفی یادآوری تاریخ معاصر ایران در بین نمونه‌هایی با درجات تحصیلی مختلف، این دو متغیر با هم تقاطع داده شده و رابطه‌ی بین آن‌ها به وسیله‌ی آماره‌های مربوطه مورد آزمون قرار گرفت تا مشخص شود تفاوت در یادآوری در بین نمونه‌هایی با درجات تحصیلات مختلف معنی‌دار است یا خیر. جدول زیر آماره‌های مربوط به وجود ارتباط و میزان ارتباط را نشان می‌دهد:

جدول شماره‌ی ۱۰: وجود یا عدم وجود رابطه بین متغیر تحصیلات و (اولین و دومین) واقعه‌ی به‌یادآمده

وجود و میزان ارتباط بین تحصیلات و یادآوری در اولویت‌های اول و دوم		آزمون	مقدار	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
وجود و میزان رابطه بین تحصیلات و اولین واقعه‌ی به‌یادآمده	وجود یا عدم وجود رابطه	کای دو پیرسون	۵۶,۰۳۵	۸	۰,۰۰۰
		نسبت درست‌نمایی	۵۹,۰۲۱	۸	۰,۰۰۰
		تعداد داده‌های معتبر	۳۸۱		
	میزان رابطه	فی	۰,۳۸۴		۰,۰۰۰
		کرامر	۰,۲۷۱		۰,۰۰۰
		موارد معتبر	۳۸۱		
وجود و میزان رابطه بین تحصیلات و دومین واقعه‌ی به‌یادآمده	وجود یا عدم وجود رابطه	کای دو پیرسون	۳۸,۳۲۵	۱۲	۰,۰۰۰
		نسبت درست‌نمایی	۴۱,۵۷۸	۱۲	۰,۰۰۰
		تعداد داده‌های معتبر	۳۸۱		
	میزان رابطه	فی	۰,۳۱۷		۰,۰۰۰
		کرامر	۰,۲۲۴		۰,۰۰۰
		موارد معتبر	۳۸۱		

همان‌طور که از آزمون‌های کای اسکوئر مندرج در جدول فوق پیداست، مقدار sig آماره‌ی کای دو پیرسون برای ارتباط بین اولین و دومین واقعه‌ی به‌یادآمده از یک‌سو و تحصیلات از سوی دیگر کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا فرض صفر با احتمال ۹۹٪ رد می‌شود و دو متغیر «یادآوری مهم‌ترین واقعه‌ی ۱۰۰ سال اخیر (در هر دو اولویت اول و دوم)» و «تحصیلات» با هم مرتبطند و این ارتباط در حد قابل توجهی می‌باشد. نتیجه‌ی فوق، فرضیه‌ی شماره‌ی ۴ این پژوهش دال بر ارتباط بین دو متغیر فوق‌الذکر را تایید می‌نماید. پیش‌تر و در تحقیقات متعددی ارتباط متغیر حافظه‌ی جمعی و تحصیلات تایید شده بود، برای مثال نتایج پژوهش شومن و اسکات نشان داد تحصیلات قدرت‌مندترین عامل زمینه‌ای شرح‌دهنده‌ی فقدان حافظه‌ی جمعی

است (شومن و اسکات، ۱۹۸۹: ۳۶۴). نتیجه‌ی تحقیق حاضر هم‌جهت با یافته‌ی شومن و اسکات (۱۹۸۹) نشان می‌دهد در جامعه‌ی ایران نیز تحصیلات به‌مثابه یک کادر اجتماعی حافظه‌ی جمعی عمل کرده و افراد با توجه به میزان تحصیلات گذشته‌ی تاریخی کشور خود را گونه‌ای متفاوت به‌یاد می‌آورند.

پس از کادرهای اجتماعی قومیت، نسل و تحصیلات، چهارمین کادر اجتماعی حافظه‌ی جمعی در این پژوهش، کادر اجتماعی دین است. جدول زیر تقاطع نوع مذهب و یادآوری مهم‌ترین واقعه در صد سال اخیر را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: تقاطع «نوع مذهب» با «یادآوری مهم‌ترین واقعه در صد سال اخیر»

وقایع ملی	فروانی و درصد	اولویت اول		اولویت دوم		اولویت سوم	
		شیعه	سنی	شیعه	سنی	شیعه	سنی
انقلاب اسلامی	فراوانی	۱۴۹	۴	۷۶	۲	۳۱	۴
	درصد	۴۲,۵	۱۳,۳	۲۱,۷	۶,۷	۸,۸	۱۳,۳
انتخابات سال ۱۳۸۸	فراوانی	۴۰	۳	۳۲	۵	۲۵	۴
	درصد	۱۱,۴	۱۰	۹,۱	۱۶,۷	۷,۱	۱۳,۳
ملی شدن صنعت نفت	فراوانی	۳۱	۳	۲۸	۳	۲۴	۲
	درصد	۸,۸	۱۰	۸	۱۰	۶,۸	۶,۷
جنگ ایران و عراق	فراوانی	۲۰	۱	۶۵	۲	۲۴	۳
	درصد	۵,۵	۳,۳	۱۸,۵	۶,۷	۶,۸	۱۰
کودتای ۲۸ مرداد ۳۲	فراوانی	۲۰	۰	۲۵	۰	۶	۱
	درصد	۵,۷	۰	۷,۱	۰	۱,۷	۳,۳
هدف‌مندی یارانه‌ها	فراوانی	۱۲	۷	۱۱	۲	۴	۱
	درصد	۳,۴	۲۳,۳	۳,۱	۶,۷	۱,۱	۳,۳
غائله‌ی آذربایجان	فراوانی	۱۳	۰	۲	۰	۸	۰
	درصد	۳,۷	۰	۰,۶	۰	۲,۳	۰
دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای	فراوانی	۸	۴	۲۲	۴	۱۰	۲
	درصد	۲,۳	۱۳,۳	۶,۳	۱۳,۳	۲,۸	۶,۷
وقایع پراکنده با فراوانی اندک	فراوانی	۵۸	۸	۵۸	۱۰	۴۹	۳
	درصد	۱۶,۷	۲۶,۸	۱۶,۵	۳۳,۲	۱۴,۲	۱۰,۱
نمی‌دانم	فراوانی	۰	۰	۳۲	۲	۱۷۰	۱۰
	درصد	۰	۰	۹,۱	۶,۷	۴۸,۴	۳۳,۳
کل	فراوانی	۳۵۱	۳۰	۳۵۱	۳۰	۳۵۱	۳۰
	درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول فوق تفاوت‌ها در یادآوری وقایع تاریخ معاصر ایران بر مبنای مقوله‌ی نوع مذهب را به نمایش گذاشته است. پاسخ‌گویان اهل تسنن در مقایسه با پاسخ‌گویان شیعه کمتر بر واقعه‌ی انقلاب اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین واقعه‌ی ملی در یک‌صد سال اخیر تاکید داشته‌اند. از دیگر تفاوت‌ها باید به اهمیت دو واقعه‌ی هدف‌مندی یارانه‌ها و دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای

اشاره کرد. نمونه‌های اهل تسنن بر این دو واقعه به‌ویژه در اولویت اول به‌مراتب بیش‌تر از نمونه‌های شیعه تاکید داشته‌اند.

به‌دلیل حضور تعداد اندکی از افراد اهل تسنن در این تحقیق، امکان بررسی رابطه‌ی مابین دو متغیر «نوع مذهب» و «یادآوری» وجود ندارد. لیکن در گام دوم، رابطه‌ی بین دو متغیر میزان دین‌داری و یادآوری وقایع ملی در صد سال اخیر مورد بررسی قرار گرفت. جدول زیر تقاطع میزان دین‌داری و یادآوری وقایع ملی در صد سال اخیر را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷: توزیع «یادآوری وقایع تاریخ معاصر ایران» با توجه به «میزان دین‌داری»

نمونه‌های مورد مطالعه

وقایع ملی	فراوانی و درصد	اولویت اول			اولویت دوم			اولویت سوم		
		فردی	مجموعی	نسبتی	فردی	مجموعی	نسبتی	فردی	مجموعی	نسبتی
انقلاب اسلامی	فراوانی درصد	۳۱ ۲۶,۵	۴۷ ۴۰,۹	۷۵ ۵۰,۳	۲۷ ۲۳,۱	۲۴ ۲۰,۹	۲۷ ۱۸,۱	۹ ۷,۷	۱۴ ۱۲,۲	۱۲ ۸,۱
انتخابات سال ۱۳۸۸	تعداد درصد	۲۹ ۲۴,۸	۹ ۷,۸	۵ ۳,۴	۱۲ ۱۰,۳	۱۳ ۱۱,۳	۱۲ ۸,۱	۱۳ ۱۱,۱	۱۰ ۸,۷	۶ ۴
ملی شدن صنعت نفت	تعداد درصد	۱۲ ۱۰,۳	۱۲ ۱۰,۴	۱۰ ۶,۷	۱۳ ۱۱,۱	۱۴ ۱۲,۲	۴ ۲,۷	۸ ۶,۸	۱۰ ۸,۷	۸ ۵,۴
جنگ ایران و عراق	تعداد درصد	۲ ۱,۷	۵ ۴,۳	۱۴ ۹,۴	۱۰ ۸,۵	۱۳ ۱۱,۳	۴۴ ۲۹,۵	۸ ۶,۸	۹ ۷,۸	۱۰ ۶,۷
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	تعداد درصد	۱۲ ۱۰,۳	۳ ۲,۶	۵ ۳,۴	۱۲ ۱۰,۳	۷ ۶,۱	۶ ۴	۲ ۱,۷	۵ ۴,۳	۰ ۰
هدف‌مندی یارانه‌ها	تعداد درصد	۲ ۱,۷	۹ ۷,۸	۸ ۵,۴	۳ ۲,۶	۴ ۳,۵	۶ ۴	۰ ۰	۳ ۲,۶	۲ ۱,۳
غائله‌ی آذربایجان	تعداد درصد	۲ ۱,۷	۵ ۴,۳	۶ ۴	۲ ۱,۷	۰ ۰	۰ ۰	۷ ۶	۱ ۰,۹	۰ ۰
وقایع پراکنده با فراوانی اندک	تعداد درصد	۲۴ ۲۰,۴	۲۲ ۱۹,۳	۲۰ ۱۳,۴	۲۷ ۲۳	۱۹ ۱۶,۶	۲۲ ۱۴,۸	۲۱ ۱۸	۱۳ ۱۱,۳	۱۸ ۱۲,۱
دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای	تعداد درصد	۳ ۲,۶	۳ ۲,۶	۶ ۴	۴ ۳,۴	۱۰ ۸,۷	۱۲ ۸,۱	۱ ۰,۹	۷ ۶,۱	۴ ۲,۷
نمی‌دانم	تعداد درصد	۰ ۰	۰ ۰	۰ ۰	۷ ۶	۱۱ ۹,۴	۱۶ ۱۰,۷	۴۸ ۴۱	۴۳ ۳۷,۴	۸۹ ۵۹,۷
کل	تعداد درصد	۱۱۷ ۱۰۰	۱۱۵ ۱۰۰	۱۴۹ ۱۰۰	۱۱۷ ۱۰۰	۱۱۵ ۱۰۰	۱۴۹ ۱۰۰	۱۱۷ ۱۰۰	۱۱۵ ۱۰۰	۱۴۹ ۱۰۰

همان‌طوری که اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد با افزایش میزان دین‌داری بر یادآوری وقایع «انقلاب اسلامی» و به‌ویژه «جنگ ایران و عراق» افزوده و برعکس از یادآوری واقعه‌ی انتخابات ۱۳۸۸ کاسته می‌شود. درخصوص واقعه‌ی ملی شدن صنعت نفت، نحوه‌ی توزیع داده‌ها در جدول فوق به‌گونه‌ای است که با کاهش میزان دین‌داری تا حدود اندکی از یادآوری واقعه‌ی ملی شدن صنعت نفت کاسته می‌شود. رابطه‌ی دو متغیر «میزان دین‌داری» و «یادآوری وقایع تاریخ معاصر ایران» در جدول زیر به‌تفصیل آمده است.

جدول شماره ۸: رابطه‌ی بین متغیر میزان دین‌داری و اولین و دومین واقعه‌ی به‌یادآمده (

به‌همراه میزان رابطه)

وجود و میزان رابطه‌ی بین میزان دین‌داری و یادآوری در اولویت اول و دوم		آزمون	مقدار	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
وجود و میزان رابطه بین دین‌داری و اولین واقعه‌ی به‌یادآمده	وجود یا عدم وجود رابطه	کای دو پیرسون	۴۷,۵۹۰	۸	۰,۰۰۰
		نسبت درست‌نمایی	۴۷,۰۶۲	۸	۰,۰۰۰
		تعداد داده‌های معتبر	۳۸۱		
	میزان ارتباط	فی	۰,۳۵۳		۰,۰۰۰
		کرامر	۰,۲۵۰		۰,۰۰۰
		موارد معتبر	۳۸۱		
وجود و میزان رابطه بین دین‌داری و دومین واقعه‌ی به‌یادآمده	وجود یا عدم وجود رابطه	کای دو پیرسون	۳۷,۹۰۱	۱۲	۰,۰۰۰
		نسبت درست‌نمایی	۳۹,۲۵۳	۱۲	۰,۰۰۰
		تعداد داده‌های معتبر	۳۸۱		
	میزان ارتباط	فی	۰,۳۱۵		۰,۰۰۰
		کرامر	۰,۲۲۳		۰,۰۰۰
		موارد معتبر	۳۸۱		

همان‌طور که از جداول بالا پیداست، سطح معنی‌داری کای دوی پیرسون کمتر از ۰,۰۱ است بنابراین فرض صفر با احتمال ۹۹٪ رد می‌شود و دو متغیر «میزان دین‌داری» و «یادآوری وقایع

تاریخ معاصر ایران (اولویت اول)» با احتمال ۹۹٪ با هم در ارتباطند. ضرایب فی و کرامر نشان‌دهنده‌ی میزان ارتباط قابل‌عنایتی بین دو متغیر پیش‌گفته است. هم‌چنین بخش پایینی جدول فوق به ارتباط دو متغیر «میزان دین‌داری» و «یادآوری وقایع تاریخ معاصر ایران (اولویت دوم)» اختصاص دارد. مقدار sig آماره‌ی پیرسون برای بررسی میزان ارتباط دو متغیر فوق برابر ۰,۰۰۰ می‌باشد. بنابراین در این اولویت نیز یادآوری وقایع با میزان دین‌داری در ارتباط است و این ارتباط در سطحی قابل توجه قرار دارد. این نتایج، فرضیه‌ی شماره‌ی ۳ این تحقیق را تایید می‌کند. همان‌طوری که در این فرضیه و با اتکا به رویکرد نظری هالبواکس قید شد، مذهب هم‌چون نسل به‌عنوان کادر اجتماعی حافظه‌ی جمعی عمل کرده و با تغییر در میزان دین‌داری افراد، نوع یادآوری آن‌ها از گذشته تغییر می‌یابد.

تحلیل لوجستیک:

در این قسمت در تلاشیم تا تاثیرپذیری یادآوری هر یک از وقایع ملی از متغیرهای کمی این تحقیق (میزان دین‌داری، میزان تحصیلات و سن) را با استفاده از رگرسیون لوجستیک نشان دهیم. اگر با متغیر یادآوری هر واقعه (برای مثال واقعه‌ی جنگ) به‌عنوان یک متغیر دو وجهی برخورد کنیم به این معنی که آن متغیر تنها بتواند یکی از دو ارزش ۰ یا ۱ را بپذیرد (ارزش ۱ = یادآوری آن واقعه / ارزش ۰ = عدم یادآوری آن واقعه) آن‌گاه می‌توان از رگرسیون لوجستیک به‌عنوان ابزاری قوی برای تبیین پدیده‌ی یادآوری استفاده کرد؛ چرا که در رگرسیون لوجستیک می‌توان متغیرهای کمی فوق را هم‌زمان با هم وارد معادله کرده و از این طریق نشان داد که یادآوری آن واقعه تا چه حد و با چه جهتی (مستقیم یا معکوس) تحت‌تاثیر هر یک از متغیرهای کمی فوق (میزان تحصیلات، میزان دین‌داری و سن) است.

جدول شماره ۱۱: تحلیل رگرسیون لجستیک برای یادآوری سه واقعه‌ی با فراوانی بالا
(انقلاب، انتخابات و جنگ)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب B	خطای معیار	آماره‌ی والد	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری	نسبت برتری
به‌یادآوردن یا نیاوردن واقعه انقلاب اسلامی	سال تولد (x51)	۰,۰۰۶	۰,۰۰۸	۰,۶۶۸	۱	۰,۴۱۴	۱,۰۰۶
	میزان دین‌داری (x64)	۰,۳۴۰	۰,۱۲۲	۷,۷۴۶	۱	۰,۰۰۵	۱,۴۰۵
	میزان تحصیلات (x54)	-۰,۰۳	۰,۰۳	۱,۰۳۸	۱	۰,۳۰۸	۰,۹۷۰
	ضریب ثابت	-۹,۶۰۵	۹,۹۷۰	۰,۹۲۸	۱	۰,۳۳۵	۰,۰۰۰
به‌یادآوردن یا نیاوردن واقعه‌ی انتخابات سال ۱۳۸۸	سال تولد (x51)	۰,۰۸۲	۰,۰۱۸	۲۰,۶۸۳	۱	۰,۰۰۰	۱,۰۸۶
	میزان دین‌داری (x64)	-۰,۷۵۵	۰,۱۹۱	۱۵,۵۹۹	۱	۰,۰۰۰	۰,۴۷۰
	میزان تحصیلات (x54)	۰,۱۳۸	۰,۰۶۹	۴,۰۱۹	۱	۰,۰۴۵	۱,۱۴۸
	ضریب ثابت	-۱۱۳,۳۰۹	۲۴,۴۹۴	۲۱,۴۰۰	۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
به یاد آوردن یا نیاوردن واقعه‌ی جنگ ایران و عراق	میزان دین‌داری (x64)	۰,۱۴۰	۰,۳۰۳	۰,۲۱۴	۱	۰,۶۴۴	۱,۱۵۰
	میزان تحصیلات (x54)	-۰,۱۷۶	۰,۰۶۰	۸,۵۷۱	۱	۰,۰۰۳	۰,۸۳۹
	سال تولد (x51)	۰,۰۲۴	۰,۰۱۸	۱,۷۸۴	۱	۰,۱۸۲	۱,۰۲۴
	ضریب ثابت	-۳۲,۹۹۷	۲۳,۰۹۱	۲,۰۴۲	۱	۰,۱۵۳	۰,۰۰۰

جدول فوق آماره‌های مربوط به تحلیل رگرسیون لجستیک برای یادآوری وقایع انقلاب، انتخابات و جنگ را نشان می‌دهد. نخست به بررسی یادآوری واقعه‌ی انقلاب اسلامی می‌پردازیم. مدل رگرسیون لجستیک برای یادآوری واقعه‌ی انقلاب اسلامی با سه متغیر مستقل به‌صورت زیر نوشته می‌شود:

$$\text{Logit}(Y) = -9.605 + 0.006 x_{51} + 0.340 x_{64} - 0.03 x_{54}$$

بنابر اطلاعات مندرج در جدول فوق، سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده از آماره‌ی والد برای متغیرهای «سال تولد (x51)» و «میزان تحصیلات (x54)» دلالت بر آن دارد که این دو متغیر اثر

معنی‌داری بر یادآوری افراد از واقعه‌ی انقلاب اسلامی ندارد. درمقابل سطح معنی‌داری و ضریب مثبت B برای متغیر میزان دین‌داری (x64) نشان‌گر آن است که نه تنها میزان دین‌داری بر یادآوری واقعه‌ی انقلاب اسلامی اثر دارد بلکه این تاثیر مثبت است و با افزایش میزان دین‌داری احتمال یادآوری واقعه‌ی انقلاب اسلامی افزایش می‌یابد. با توجه به یافته‌های فوق می‌توان مدل قبلی رگرسیون لجستیک برای یادآوری واقعه‌ی انقلاب اسلامی را اصلاح کرده و به صورت زیر نوشت:

$$\text{Logit}(Y) = -9.605 + 0.340 \times x64$$

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون لجستیک برای واقعه‌ی انتخابات سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد هر سه متغیر سن (x51)، تحصیلات (x54) و دین‌داری (x64) اثر معناداری بر یادآوری واقعه‌ی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ دارند اما مقدار sig برای این سه متغیر دلالت بر آن دارد که اثر متغیرهای سن و میزان دین‌داری نسبت به متغیر تحصیلات بیشتر است. هم‌چنین مقدار منفی ضریب B برای متغیر میزان دین‌داری و مقدار مثبت ضریب B برای متغیرهای سن و میزان تحصیلات نشان می‌دهد با افزایش میزان دین‌داری احتمال یادآوری واقعه‌ی انتخابات کاهش یافته و برعکس با افزایش میزان تحصیلات و سال تولد (یعنی کاهش سن) احتمال یادآوری واقعه‌ی انتخابات بیشتر می‌شود. مدل رگرسیون لجستیک برای یادآوری واقعه‌ی انتخابات سال ۱۳۸۸ با سه متغیر مستقل میزان دین‌داری، میزان تحصیلات و سال تولد به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$\text{Logit}(Y) = -113.309 + 0.82 \times x51 - 0.755 \times x64 + 0.138 \times x54$$

در مورد واقعه‌ی جنگ تحمیلی، اطلاعات مندرج در جدول اخیر نشان می‌دهد از میان سه متغیر وارد شده به معادله، تنها متغیر میزان تحصیلات (x54) اثر معناداری در یادآوری جنگ تحمیلی دارد و متغیرهای میزان دین‌داری (x64) و سن (x51) اثر معناداری در یادآوری آن واقعه ندارند. هم‌چنین ضریب منفی B بیان‌گر آن است که با افزایش میزان تحصیلات احتمال یادآوری این واقعه کمتر می‌شود؛ به عبارت دیگر هر چه میزان تحصیلات کمتر باشد احتمال یادآوری این واقعه بیشتر است. مدل رگرسیون لجستیک با یک متغیر مستقل (تحصیلات) برای یادآوری واقعه‌ی جنگ تحمیلی به صورت زیر است:

$$\text{Logit}(Y) = -32.997 - 0.176 \times x54$$

نتیجه‌گیری

چهار واقعه‌ی حک‌شده در حافظه‌ی جمعی نمونه‌های مورد مطالعه به‌عنوان مهم‌ترین وقایع صد سال اخیر در تاریخ معاصر ایران (یعنی واقعه‌ی انقلاب اسلامی، وقایع سال‌های نخست‌وزیری مصدق، انتخابات سال ۱۳۸۸ و جنگ) را می‌توان بخش مهمی از حافظه‌ی جمعی ایرانیان در سال‌های اخیر قلمداد کرد. این چهار واقعه، چه از جانب تجربه‌کنندگان آن‌ها و چه از جانب افرادی که آن را تجربه نکرده‌اند به‌عنوان ۴ واقعه با اولویت بالا (اولویت اول تا سوم) تعریف شده‌اند. همان‌طوری که بررسی شومن و اسکات (۱۹۸۹) از حافظه‌ی جمعی آمریکاییان نشان داد، حافظه‌ی جمعی می‌تواند هم وقایع تجربه‌شده و هم تجربه‌نشده را شامل شود.

این پژوهش نشان داد حافظه‌ی جمعی ایرانیان خصلت عمدتاً ملی دارد و یادآوری در نزد قومیت‌های مختلف (کرد، گیلک و آذری) با وجود تفاوت نسبی، بیش از آن‌که قومی باشد مبنای ملی دارد. چنین یافته‌ای نشان‌گر شکل‌گیری حافظه‌ی جمعی ملی و کنار رفتن تدریجی حافظه‌ی جمعی قومی در نزد قومیت‌های ایرانی است. این درحالی است که بسیاری از کشورهای منطقه (برای مثال افغانستان، عراق، ترکیه و به‌ویژه فلسطین اشغالی) از حافظه‌ی جمعی چندان منسجم، قوی و یک‌پارچه‌ای برخوردار نبوده و خاطره‌ی جمعی در آن‌ها گسسته و عمدتاً قومی، زبانی و مذهبی است. همان‌طوری که اسدالله احمدی (۱۳۸۷) نشان داد در افغانستان به‌عنوان کشوری هم‌جوار با ایران هنوز سه حافظه‌ی جمعی پشتون، تاجیک و هزاره به حیات خود ادامه می‌دهند و زبان، قومیت و مذهب به‌مثابه چهارچوب‌های اجتماعی یادآوری و فراموشی در شکل‌گیری روایت‌های تاریخی نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. نتایج مطالعه‌ی احمدی حاکی از آن بود که خاطره‌ی جمعی در افغانستان هنوز خاطره‌ی قومی است و رخداد‌های گذشته در چهارچوب‌های اجتماعی قومیت، زبان و مذهب به‌یادآورده و یا فراموش می‌شوند. علاوه بر تاریخ غنی ایران و نقش قومیت‌های مختلف ایرانی در آن، تجربه‌ی مدرنیزاسیون نفتی طی صد سال گذشته، امکان تغییرات زیربنایی را برای حکومت مرکزی فراهم ساخت به‌طوری که تجربه‌ی آن در هیچ‌یک از کشورهای فوق‌الذکر دیده نمی‌شود. پروژه‌ی دولت-ملت‌سازی در ایران به‌شکلی نسبتاً یک‌دست در مناطق مختلف کشور اجرا شد و حتی مقاومت‌ها در مقابل اقدامات چنین دولت متمرکزی (برای مثال وقایع سال‌های نخست‌وزیری مصدق و انقلاب) شرایط را برای کنار رفتن حافظه‌ی جمعی قومی و شکل‌گیری حافظه‌ی جمعی ملی فراهم

ساخت؛ به طوری که هم حافظه‌ی جمعی اعمال شده از سوی حاکمیت و هم حافظه‌ی جمعی مقاومتی طی صد سال گذشته با محوریت عناصر ملی شکل گرفته است. البته باید متذکر شد در زیر پوسته‌ی نسبتاً ضخیم حافظه‌ی جمعی ملی، ما با نوعی حافظه‌ی جمعی قومی نیز مواجهیم که در برخی قومیت‌ها (آذری‌ها) نسبتاً قابل توجه و در برخی قومیت‌ها (گیلک‌ها) ضعیف است. با وجود شیوع اهمیت چهار واقعه‌ی انقلاب اسلامی، سال‌های نخست‌وزیری مصدق، انتخابات سال ۱۳۸۸ و جنگ در حافظه‌ی جمعی ایرانیان، توزیع نسلی یادآوری این چهار واقعه نشان می‌دهد نسل عامل مهمی در اولویت‌دهی به یکی از این چهار واقعه به‌عنوان مهم‌ترین واقعه‌ی تاریخ معاصر کشور است. بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد اکثر وقایع ۵۰ سال گذشته که نمونه‌های مورد مطالعه آن‌ها را به‌عنوان مهم‌ترین وقایع ملی شناسایی کرده‌اند، از سوی نمونه‌ها در دوران نوجوانی یا اوایل جوانی تجربه شده‌اند. یافته‌ی اخیر فرض مانهایم درخصوص اهمیت دوران نوجوانی و اوایل دوران بزرگسالی در شکل‌گیری نسل‌ها و حافظه‌ی جمعی را تایید می‌کند. در آن بخش از نتایج که بین «سن» و «مهم‌ترین وقایع» همراهی به چشم نمی‌خورد (برای مثال جوان‌ترها وقایع قدیمی را متذکر شده‌اند) باید به این نکته اشاره کرد که نوع سؤال از پاسخ‌گویان بر جواب‌های آن‌ها اثرگذار بوده است. هنگامی که از پاسخ‌گویان سؤال می‌شود «در صد سال گذشته چه وقایع ملی را مهم‌ترین وقایع می‌دانند»، بخشی از نمونه‌ها وقایعی را متذکر شده‌اند که پیش از تولدشان حادث شده است. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که شرایط حال بر هر نوع یادآوری‌ای از گذشته تاثیرگذار است به طوری که برای مثال یادآوری واقعه‌ی انقلاب توسط نسل بعد از انقلاب به‌عنوان مهم‌ترین واقعه‌ی تاریخ معاصر ایران ناشی از تداعی آن واقعه تحت تاثیر وقایع زمان حال است. علاوه بر اثرگذاری زمان حال بر یادآوری گذشته، معنایی که نسل جوان‌تر با توجه به تجربیات دوران نوجوانی و اوایل بزرگسالی به آن واقعه می‌بخشند، تفاوت چشم‌گیری با معنای همان واقعه در نزد نسل‌های قدیمی‌تر دارد. درحقیقت این معنا به‌شدت تحت تاثیر تجربیات جوان‌ترها در دوران نوجوانی و اوایل بزرگسالی است و در هر حال نسل هم‌چون فیلتری قوی در یادآوری گذشته عمل می‌کند. نکته‌ی اخیر مجدداً تاییدی است بر مفروضات مانهایم در خصوص مقوله‌ی نسل. در همین راستا شومن و راجرز (۲۰۰۴: ۲۲۵) نشان داده است وقوع حملات به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی، تاثیر

به‌سزایی در یادآوری واقعه‌ی پرل هاربر^۱ داشته است و نسل جدید واقعه‌ی پرل هاربر را از این بابت که شبیه به واقعه‌ی حمله به برج‌های دوقلو است به‌یاد می‌آورند و هر دو را حمله به خاک امریکا و نوعی تهاجم خارجی‌ها به موجودیت امریکا تعبیر می‌کنند؛ حال آن‌که نسل‌های قدیمی‌تر آمریکایی چنین معنای واحدی به این دو واقعه نمی‌بخشند.

علاوه بر یافته‌های فوق که سامان‌یابی حافظه‌ی جمعی ایرانیان در قالب کادر اجتماعی نسل را گوشزد می‌کند، کاربرد نظریه‌ی مانهایم در این پژوهش امکان مفهوم‌یابی جدیدی از مقوله‌ی نسل در جامعه‌ی ایران را فراهم ساخت. تعریف پدیدارشناختی از نسل و نقش محوری قائل شدن برای «تجربه‌ی زیسته‌ی درونی‌شده» در تعریف این مفهوم، امکان شناسایی و تفکیک دقیق‌تر نسل‌ها در جامعه‌ی کنونی ایران را ممکن ساخت. بدین ترتیب با محوریت مفهوم «یادآوری» مهم‌ترین واقعه‌ی تجربه‌شده (حافظه‌ی جمعی)، می‌توان متولدین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ را «نسل کودتای ۲۸ مرداد»، متولدین دهه‌های دوم و سوم را «نسل انقلاب»، متولدین دهه‌ی چهارم را «نسل انقلاب و جنگ»، متولدین دهه‌ی پنجم را «نسل جنگ»، و متولدین دهه‌ی ششم را «نسل انتخابات» نامید.

نکته‌ی جالب توجه دیگر در این پژوهش، اهمیت عامل تحصیلات در شکل‌دهی به حافظه‌ی جمعی است که مطالعات پیشین نیز بر آن تاکید داشتند (شومن و اسکات، ۱۹۸۹: ۳۶۴). تحصیلات به‌شکل مثبت یا منفی تأثیری مداوم ولی ضعیف در یادآوری سه واقعه‌ی جنگ، انتخابات سال ۱۳۸۸ و انقلاب اسلامی دارد. با نگاهی به نتایج تحلیل لوجستیک، تحصیلات رابطه‌ی ضعیف ولی منفی با یادآوری واقعه‌ی جنگ دارد. شاید تحصیلات امکان آشنایی بیش‌تر افراد با تاریخ معاصر ایران را فراهم کرده و به‌همین دلیل افراد تحصیل‌کرده وقایع مهم دیگری هم‌چون وقایع سال‌های نخست‌وزیری مصدق را به‌عنوان مهم‌ترین وقایع ملی صد سال اخیر به‌جای واقعه جنگ انتخاب می‌کنند.

درنهایت باید خاطر‌نشان ساخت پژوهش حاضر تلاش داشت تصویری هرچند محدود از حافظه‌ی جمعی سه قومیت مهم ایرانی ارائه دهد. پژوهش‌های آتی در همین راستا می‌تواند تصویر دقیق‌تری از حافظه‌ی جمعی دیگر قومیت‌های ایرانی فراهم سازد. نبود مطالعات کمی در

۱. حمله‌ی ناگهانی ژاپن در سال ۱۹۴۱ به یک پایگاه نظامی در خاک امریکا (پرل هاربر) که باعث ورود رسمی آمریکا به جنگ جهانی دوم شد.

حوزه‌ی حافظه‌ی جمعی در ایران و بی‌توجهی به رویکردهای تفسیری در جامعه‌شناسی تاریخی، لزوم توجه به چنین تحقیقاتی و انجام تحقیقات گسترده در سطح ملی را گوشزد می‌سازد. چنین مطالعاتی می‌تواند انسجام ملی ایرانیان در ارتباط با دیگر ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی آن‌ها را نشان داده و روندهای منتهی به تغییرات محتمل در آینده‌ی نزدیک را پیش‌بینی کند.

کتابنامه فارسی

۱. احمدی، اسدالله (۱۳۸۷)، "تاریخ و خاطره‌ی جمعی پژوهشی در تاریخ و خاطره‌ی جمعی در افغانستان"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۲. امیری، نادر (۱۳۸۸)، "چشم‌اندازی به رمان تاریخ‌گرای فارسی"، *مجله‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، سال اول، شماره‌ی ۱، صص ۶۰-۳۹.
۳. توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مرضیه (۱۳۸۵)، "شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد ره‌یافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره‌ی ۲۷، صص ۱۲۴-۹۶.
۴. چیت‌ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۶)، "بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی"، *مجله جوانان و مناسبت نسلی*، شماره‌ی ۱، صص ۱۱۲-۸۵.
۵. داودی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، "نقش حافظه‌ی جمعی در بروز منازعات قومی"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال سیزدهم، شماره‌ی ۱ و ۲.
۶. دورکیم، امیل (۱۳۸۶)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۷. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲)، *زمینه فرهنگ شناسی*، تهران: انتشارات عطار.
۸. مانهایم، کارل (۱۳۸۹)، *مقاله‌هایی درباره‌ی جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، تهران: نشر ثالث.
۹. نورایی، مهرداد، (۱۳۸۳)، "هویت و حافظه جمعی"، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره‌ی ۲۰۷ و ۲۰۸: ۴۵-۴۲.
۱۰. ولی، عباس (۱۳۸۰)، *ایران پیش از سرمایه‌داری*، ترجمه‌ی حسن شمس‌آوری، تهران: نشر مرکز.

کتابنامه لاتین:

11. Bodnar, J. (1992). *Remaking America: Public memory, Commemoration, and Patriotism in the twentieth Century*. Princeton: Princeton University Press.
12. Cattell, M. G. & Climo, J. J. (2002). "Meaning in Social Memory and History: Anthropological Perspectives". in J. J. Climo and M. G. Cattell (Eds) *Social Memory and*

- History: Anthropological Perspectives*. Walnut Creek: Lanham. New York and Oxford: Altamira press, Pp.1-36.
13. Glock, C & Stark, Y R (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand MC Nally.
14. Griffin, L J & Hargis, P G, (2008). "The Past in Black and White". *Southern Literary Journal*. Vol. xi. No. 2. Pp. 42-69.
15. Halbwachs, M. (1941). *La Topographie Legendaire Des Evanglles en Saint-Terre*. Paris: Presses Universitaires de France.
16. Halbwachs, M. (1926). *Les Cadres Sociaux de la Memoire*. Paris: Presses Universitaires de France.
17. Halbwachs, M. (1950). *The Collective Memory*. trans. F.J. and V.Y. Ditter. London: Harper Colophon Books.
18. Halbwachs, M. (1992). *On Collective Memory*. Chicago: Chicago University Press.
19. Hobsbawm, E. and Ranger, T. (Eds) (1983), *The Invention of Tradition*. New York: Cambridge University Press.
20. Hervieu-Léger, D. (2000). *Religion as a Chain of Memory*. Cambridge: Polity.
21. Lipsitz, George. (1990). *Time passages*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
22. Johnson, R., McLennan, G., Schwartz, B. & Sutton, D. (Eds) (1982). *Studies in History Making and Politics*. London: Hutchinson.
23. Mannheim, K. (1952). "The Problem of Generations" in K. Mannheim. *Essays on the Sociology of Knowledge*, London: Routledge and Keagan Paul, Pp. 276-322.
24. Middleton, D., & Brown S. D. (2005). *The Social Psychology of Experience: Studies in Remembering and Forgetting*. San Francisco, CA: Sage.
25. Misztal, B. (2003). *Theories of Social Remembering*. Philadelphia: Open University Press.
26. Pearson, R. (1999). "Custer loses Again: The Contestation over Commodified Public Memory" in D. Ben-Amos and D. Weissberg (Eds) *Cultural Memory and the Construction of Identity*, Pp. 176–201. Detroit, MI: Wayne State University Press.
27. Pennebaker, J. W., Paez, D., & Rime, J. (Eds.). (1997). *Collective Memory of Political Events: Social Psychological Perspectives*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
28. Rosenzweig, R & Thelen, D. (1998). *The Presence of the Past: Popular Uses of History in American Life*. New York: Columbia UP.
29. Schuman. H & Rodgers W. L., (2004). "Cohorts, Chronology and Collective Memories". *Public Opinion Quarterly*. Vol. 68. No. 2. Pp. 217-254.
30. Schuman H. & Scott J., (1989). "Generation and Collective Memories". *American Sociological Review*. Vol. 54. Pp. 359-381.
31. Scott J. & Zac L. (1993). "Collective Memory in Britain and United States". *Public Opinion Quarterly*. Vol 57. Pp. 315-331.
32. Zerubavel, E. (2003). *Time Maps: Collective Memory and the Social Shape of the Past*. Chicago: University of Chicago Press.
33. Young, J. (1993). *The Texture of Memory: Holocaust Memorials and Meaning*. New Haven, CT: Yale University Press.
34. Wertsch, J. V. and Roediger, H. L. (2008). "Collective Memory: Conceptual Foundations and Theoretical Approaches". *Memory*. Vol. 16. No. 3. Pp. 318 -326.